

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان

Iranische Bibliothek in Hannover

به شماره ۵۰۰۰

تیر ۱۳۶۳

دوره جدید سال دوم - شماره ۱۹

## اطلاعیه

### سازمان چریکهای فدائی خلق ایران خطاب

#### به کارگران، اعضا و هواداران سازمان

رژیم جمهوری اسلامی که طی بیش از ۵ سال حکومت جا برانه و مستکبران خرد جا مع را بسوی بربریت قرون وسطایی و توده های مردم را به فقر و فلاکت روز-افزون و بی حقوقی مداوم سوق داده است لحظه به لحظه به سوی انحلال و ضروپا شیطانی پیش میرود. هر روز که میگذرد بخش وسیعتری از توده های مردم در مییا بندگی بدون سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی رهایی

از انبوه معائب اجتماعی که این رژیم به بار آورده است ممکن نیست. و غامت اوضاع ناشی از بحران سرزمین اقتصادی چنان شرایط سخت و مشقت - باری را به توده های زحمتکش مردم تحمیل کرده است که حتی سران فریب - کار و عوام فریب رژیم جرات انکار آنرا به خود نمیدهند. فقر، تباهی و فلاکت اقتصادی سراسرا معرافرا در صفحه ۳

## مقاله

### تلاش های جدید رژیم و وظایف نیروهای انقلابی

در طول چند ماه گذشته رژیم جمهوری اسلامی، در یورش های خود به مناطق آزاد و تحت نفوذ نیروی پیشمرگه، تلاش های جدیدی به کار بسته است که گاه و رابا موفقیتها شایسته نیز بوده و سخته است تا کتیبه های برخورد با آنها با پداز سوی نیروهای انقلابی کاملاً جدی تلقی گردد. با پدیده این مسئله توجه داشت که رژیم جمهوری اسلامی نه تنها امروز، بلکه در طول پنج سال گذشته در یورش های خود علیه جنبش انقلابی خلق کرد، علاوه بر تمامی سببیت های خود، از تمامی تجربیات فدا انقلاب در صفحه ۲

### گوزار تیک له:

#### مراسمی چه کدار کردنی دستیک له پیشمه رگه کانی فیدایی

در صفحه ۱۱

### پرتوان قرباد

مبارزه قهرمانانه خلق کرد

در صفحه ۲۵

دمکراسی یک اصل مهم برنامه ای

### دمکراسی و سوسیالیسم (۳)

نقد دیدگاه های حزب دمکرات از مقوله دمکراسی! در صفحه ۷

### ما چه می خواهیم و

برای چه مبارزه میکنیم

### طرح برنامه

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

نقل از کار شماره ۱۸۰ در صفحه ۱۳

آنگارمی سازد که این تاکید نه بر یک درک عمیق و اصولی استوار است و نه برخلاف ادعای حزب دمکرات، تطبیق بر این مرحله غسان از با رزات توده ها و "مرحله کنونی انقلاب" ایران است و نه می تواند باشد. این تناقض میان درک کلی در صفحه ۷

ما در شماره های قبل روشنی ساختیم که حزب دمکرات درک ابتدائی و بسیار محدودی از دمکراسی دارد و اگر چه بر این امر تاکید می کند ولی وقتی که آنرا توضیح میدهد معنی می کند.

## هه موو میله تیک مافی دیاری کردنی چاره نویسی خوی هه یه

# تلاش های جدید رژیم و وقایع نیروهای انقلابی

از صفحه ۱

جهانی نیز در سرکوب جنبش های انقلابی، بیشترین بهره برداری را کرده است. تا به اهداف بلندخود دست یابد. او قتل عام و کشتن میلیون ها نفر در فلسطین و اسپرالیستهای امریکائی در ویتنام را، در ابعاد بسیار وحشتناک - تری با رها در روستاهای کردستان تکرار کرده است و در این زمینه رژیم از هیچ گونه تضییقاتی نه تنها در مورد نیروهای انقلابی، بلکه مردم عادی نیز دریغ نکرده است. از بمباران هیچ نقطه ای از کردستان فروگذار نمی کرده است. از تجمیع خانواده ها و تخلیه و تخریب روستاها و... تا اعزام دهها هزار پادار و ارتش و مزدوران دیگر به کردستان هیچ ایستایی نداشته است. رژیم حتی جنگ ارتجائی بین خود و دولت عراق را نیز به منطقه کردستان گشاده است تا بتواند نیروی هر چه بیشتری را برای سرکوب این خلیق قهرمان بسیج نماید. ولی واقعیت ها آشکار ساخته اند (و هر روز بیشتر از روز پیش آشکار می سازند) که رژیم نتوانسته است به اهداف اصلی خود دست یابد.

رژیم اگر چه نتوانسته است به اهداف خود در این جنگ، یعنی درهم شکستن اراده، خلق کردنیان را بگرداند، لیکن از انجام هیچگونه تلاشی در این زمینه نیز قانق نشده است. نه تنها با زنده ماندن است بلکه بر ابعاد آنها هر چه بیشتر افزوده است. و با زخم روزهایی جدیدی را در این زمینه به کا ر گرفته است. که مملکت "مسئله آنها تا فی از تجربه مستقیم خود او نیست و برای جنبش انقلابی نیز امر ناشناخته ای نمی تواند باشد. تا کتیک های جدید رژیم نیز جلوسه دیگری از به کارگیری تجربیات اسلاف خود در سطح جهانی است که رژیم در تمام عملیات سال گذشته خود به مناطق آزاد و با هدف ایجاد محدودیت برای نیروهای انقلابی در این زمینه اتخاذ کرده است. به کارگیری این تاکتیک ها، بسیار

این واقعیت است که رژیم می گوید، تلاش هماهنگی را به کارگیرد. تلاش نیروهای مسلح خلق کرد را در تمام عرصه ها دچار مضیق ساخته، آنها را در تنگناهای متعدد قرار دهد و فرصت های مناسب، ضربات خود را بر آنها وارد آورد. متأسفانه برخی از رویدادهای غافلگیرکننده حاکی از آن است که رژیم جزئی "و هر کجا که به امرقا نونمند بودن جنگ کنونی توجه چندانی نمی شود موفق نیز گشته است.

سیر است رژیم از یک سو، قطع و پنا امن ساختن راههای ارتباطی و تدارکاتی پیشمرگان و محدود ساختن مناطق تمرکز آن و از سوی دیگر در نتیجه ایجاد این محدودیت ها، معا صره و سرکوب نیروهای پیشمرگه است. برای انجام چنین کاری نیز با گسترش پایگاه های خود تا عمیق خاک کردستان و افزایش تعداد آنها به ویژه در محوره های حاس، تلاش کرده است راههای ارتباطی را هر چه محدودتر ساخته، تحرک پیشمرگه را به حداقل برساند، و در عین حال از طریق سازماندهی گروههای ضربت و غیره که اکثر آنها از سوی جاش های محلی و توابعین و قیادهای ها و... هدایت می شوند، حرکت آنها را هر چه بیشتر محدود نماید. این تاکتیک رژیم که از تمام مکانات خود در پیاده کردن آن استفاده می کند، با دیده ضد خود تبدیل گردد.

جنبش مسلحانه خلق کرد با پسند تجربیات ارزنده، خود را با آموزش از تجربیات دیگر خلقها، یعنی تسر ساخته، متناسب با مرحله کنونی جنگ، سازماندهی لازم را بی ریزی نما ید که هم تحرک خود را با لایمردوم بتواند سر بیاورد. این امر مکنندیسر نیست مگر از طریق افزایش تحرک نیروی پیشمرگه و سازماندهی چنین تحرکی که طبیعتاً نمی تواند بدون انجام سازماندهی متناسب بسا وضعیت جدید، عملی گردد. آنچه که در این مرحله مهم و حیاتی است و برای کارآیی و تحرک نیروی پیشمرگه و حفظ ارتباطات توده ای نیروهای سیاسی از اولویت برخوردار است، ایجاد عدم تمرکز و گریز از سکون در نیروهاست. این عدم تمرکز، طبیعتاً به مفهوم پراکندن بی برنا مسسه، نیروهای موجود نمی تواند باشد و نیست زیرا مفهوم بی جز سازماندهی با برنا مه و آگاهانه آنها ندارد. این برنا مه ریزی نه تنها در

کوچکترین مسائل مربوط به حرکت کنونی می باید به دقت ارزیابی گردیده و هدایت شده باشد. بلکه می باید شیوه های نوینی از تحرک نیروها را نیز به طور مشخص طرح عملی سازد.

با بدین اصل مهم را در رابطه با مسئله عدم تمرکز نیروها، مدنظر داشت که این عدم تمرکز به مفهوم نفی هدایت متمرکز نیروها از بالا است. این هدایت متمرکز نه تنها نباید تضعیف گردد، بلکه می باید تقویت نیز بشود، و بنفیش رهبری خود را در امر هدایت می سازد. کنونی هر چه بیشتر ایفاء نماید، عدم تمرکز مکانی نیرو و نیز حرکت آن در مجموعه ها می که عملاً تحرک آن را به حداقل می رساند، موضوع این تغییر است. نه مضمون حرکت هدایت شده و متمرکز، ایجا دسته های فعال و متحرک با رتیزانی بسا حداقل نیرو و امکانات لازم و نیز ایجاد ارتباط فعال بین آنها، که از هر سوی مزدوران رژیم را در محاصره خود در آورند، و انجام عملیات بی درپی و تعرضی، تنها راه درهم شکستن تلاش جدید رژیم در زمینه است. معا صره و سرکوب نیروهای پیشمرگه است.

جنبش انقلابی خلق کرد، امروز با بدین جمع بندی از تجربیات پنج ساله، خود و نیز تاکتیک های یگوناگون رژیم به ویژه در ماه های اخیر، نه تنها از هرگونه حرکت کسور و نامتناسبی در شرایط کنونی کسب می تواند منجر به فاجعه گردد، اجتناب نماید، بلکه مسیر آینده حرکت آتی خود را بر اساس درک از مرحله کنونی جنگ و قانق نونمندیهای حاکم بر آن مشخص نموده، متناسب با آن سازماندهی نوینی را نیز بطور جدی در دستور کار خود قرار دهد.

شکست تلاش های کنونی رژیم، تنها در گرو برخورد آگاهانه به این تلاش ها و نه تنها خشن نمودن، بلکه درهم شکستن آنهاست. این امر میسر نیست مگر از طریق وقوف هر چه بیشتر به مرحله کنونی جنگ و هدایت با برنا مه و سازماندهی گسترده آن.

نگاهی بد رشته عملیات گسترده یک ماهه گذشته، بد خوبی نشان میدهد که نیروهای مسلح خلق کرد ظرفیت و توان ایجاد تحرک فوق العاده ای را دارنده در صورت تداوم بلا نقطع خود، می تواند در صفحه ۲۲

## هر چه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

# اطلاعیه

از صفحه ۱

گرفته است. کارگران ایران که همچون تمام هم‌زنجیران خود در سراسر جهان سرمایه‌داری در معرض ستم و استعمار و غصب قرار دارند، در اثر این بحران و نابامانسی اوضاع اقتصادی تا فتر مطلق روبرو هستند. میلیونها کارگر ایرانی بی‌کار و از تأمین حداقل معیشت محروم اند. افزایش مداوم قیمت‌ها کالاها می‌مورد نیاز بوده‌ها که گساره در مدتی کوتاه به چندبرابر افزایش یافته است. کمبود رزاق و نیازهای روزمره، کاهش مداوم دستمزدهای واقعی، سطح زندگی کارگران را بنحوی غیرقابل تحملی پایین آورده است. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی که بنا به ادعای سردمداران آن بانه تاراج گزاردن ثروت‌های ملی جامعه طی دو سالونیم پیش از ۵۵ ملیارد دلار تنها از در آمد نفت عاید داشته است حتی‌که گامی جز پیروزی نیست تخفیف فشارهای اقتصادی که بر دوش توده‌های مردم سنگینی می‌کند برداشته است بلکه آنرا در خدمت مقاصد خائفانه و جاه طلبانه خود در جنگ و سرکوب توده‌ها قرار داده است. اما تنها در حیطه اقتصادی نیست که کارنامه رژیم سراسری پوت‌باهی است. در مرصه‌های دیگر نیز از فغانی جز این نداشته است. رژیم که بنا به به ما همت خود تا در به با شکواییه نیا زهای مادی توده‌ها نبوده و نیست تنها راه مقابله با رعدنا رضایی و عصیان توده‌ای را در برقراری سرکوب و اختناق و برافروختن وادامه جنگ خارجی یافته است. رژیم پساً برقراری یک دیکتاتور تروزیستی غربیان و عنان گسیخته، ابتدائی - ترین حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی را از توده‌ها طلب نموده و برای مرعوب کردن مردم تروزیسم سرکوب را پیشه خود ساخته است. ابعاد اختناق و سرکوب بعدی است که کمتر میتوان نظیر آنرا پیدا کرده در کدام کشور جهان را. اینچنین ابتدائی ترین حقوق مردم از آنها طلب شده و بر هرگونه آزادی سیاسی مطلقاً "خط بطلان کشیده شده است. اقدام دیکتاتورخوانان رژیم را می‌توان پیدا کرده که اعدا مهیای

روزانه و هشتگی و ماهانه آن از مرز ندان بگذرد و کودکان و زنان خانه را اینچنین بی‌مهابا به جوخه اعدام سپردند. رژیم مرتجع را میتوان سراغ گرفت که اینچنین ما نند رژیم جمهوری اسلامی را رودیوانه سرسبز و آبادی را به زندان بیابان داد، تکنجه کند و به جوخه اعدا مپسارند؟ رژیم جمهوری اسلامی عموم توده‌های مردم، عموم مردان و زنان و عموم طبقاتی ایران را در معرض ستم، فشار و بی‌حقوقی قرار داده است. این رژیم بنا بر اساس یک به چهار سال است که با ادا به جنگی که هدف آن در وهله نخست انحراف توجه مردم از اختلاف داخلی به مسائل بیرون مرزی و ارضاء جاه طلبی‌های نوسه طلبانه آن بوده است، دهها هزار تن از محبتگشان ایران و فریدن آنها را در میدانهای جنگ به خاک و خون کشیده و میلیونها تن را آواره نموده است. هر چند این رژیم است که رژیم با اتکا به در آمد نفت و از طریق اختناق و سرکوب وادامه جنگ تا مدت‌سی توانسته است بقا خود را تضمین کند و مانع از بروز یک جنبش اعتراضی علنی و آشکار توده‌های گرد، اما نتوانسته است رشد عمقی نا رضایی را در میان توده‌های مردم متوقف سازد. شرایط مشقت با اقتصاد کارگران و بی‌حقوقی عموم مردم را نمی‌توان با سرکوب و جنگ پاسخ داد. معائب اجتماعی که این رژیم به بار آورده است چاره‌ای جز سرنگونی این رژیم را در برابر مردم قرار نمیدهد. اگر سرکوب و جنگ در مدتی کوتاه نمیتوانست بحرانهای سیاسی رژیم را تخفیف دهد، امروز وادامه جنگ و سرکوب موقعیت رژیم را بدتر از پیش متزلزل ساخته است. جنگ دولتهای ایران و عراق در فرایطی آفا زگردید که رژیم جمهوری اسلامی از آن بعنوان ابزاری برای بازسازی رگانهای سرکوب خود و انحراف توجه مردم از مسائل مشکلات داخلی استفاده کرد. در مراحل بعدی، رژیم تنها به اتکا به یک رشته پیروزیهای مستدام و نمیتوانست از جنگ به عنوان وسیله‌ای برای آرام کردن مردم استفاده کند، اما امروز که رژیم نه از حیث قدرت نظامی میتوان پیروزی‌های جدیدی را دارنده شرایط بین‌المللی چنین اجازهای را به وی میدهد، وادامه جنگ تنها به عامل تشدید بحران رژیم و نا رضایی

توده‌ها بدل شده است. در چنین شرایطی پیش از همیشه شما را تبدیل جنگ به جنگ داخلی به عنوان یک شعار تبلیغی زمینه‌عی و کار برد عملی یافته است. امروز مسئله اتمام جنگ خواست عمومی توده‌های مردم است. اما رژیم قادر نیست به این خواست عمومی مردم پاسخ مثبت دهد. وادامه جنگ و نهد بندوبست احتمالی تحت عنوان صلح بین رژیم‌های حاکم ایران و عراق هیچ یک تا مین کنند. منافع توده‌های مردم نیست. رژیم جمهوری اسلامی نمی‌تواند صلح را برای مردم به ارغمان آورد. تنها با شعار تبدیل جنگ به جنگ داخلی یعنی سرنگونی قهرآميز رژیم جمهوری اسلامی می‌توان به یک صلح دمکراتیک دست یافت.

دیکتاتور تروزیستی و سرکوب غربیان نیز برای مدت‌سی طولانی قادر نیست بمشابه سدی در برابر اعتراض علنی و آشکار توده‌ها عمل کند. عوامل عینی و مادی نیرومندتری دست اندر کارند که توده‌ها را به مرصه مبارزه آشکار خواهند کشید و واقع رژیم مستدام و غیم تر خواهد شد. با این چشم انداز است که امروزه کلیه مخالفین رژیم اعم از نیروهای انقلابی و ضد انقلابی فعالیت خود را علیه رژیم تشدید کرده‌اند. دارودسته‌های مرتجع سلطنت طلب که در ارتش و دیگر ارگانها و نهادها سرکوب و و بوروکراتیک رژیم دارای نفوذ هستند و در میان اقشار مرصه جامعه پایگاه دارند و از حمایت و پشتیبانی همه جانبه امپریالیستها بویژه امپریالیسم آمریکا برخوردارند تلاشهای تبلیغاتی خود را در سطح وسیعتری گسترش داده‌اند. هر چند که ما همت ارتجاعی و ضد خلقی این دارودسته‌ها بر بخش عظیمی از توده‌های مردم ایران روشن است با این وجود در برابر اعممال سیاستهای پخایت ارتجاعی و فشار بیش از حد رژیم جمهوری اسلامی پسر توده‌ها تنها به خطر آنها را دست گم گرفت بلکه با پدما و ما علیه آنها مبارزه کرد. "فرای ملی مقاومت" نیز در تلاش است که خود را بمشابه یک آلترنا تیبوقابل اعتماد توده‌ها جلوه دهد، اما حقیقت امر این است که نفوذ و اعتبار اینان در میان مردم مدام در حال کاهش یافتن است.

رهبری طبقه کارگرمامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

# اطلاعیه

خروج بی‌مدرار شورای ملی - مقاومت خود نشان دهندگان - وضعیت بحرانی آنها و فروپاشی "شورا" است. اینان نمی‌توانند در میان توده مردم اعتبار رنویسی کسب کنند، چرا که طی سه سال گذشته مدا م‌ا‌هیت اهداف، تاکتیک و برنامه آنها برای توده‌ها روشن شده است. توده‌های مردم به تجربه دریا فتانند که "شورای ملی مقاومت" نیز قادر نیست تغییر بی‌سایه در وضعیت جا‌معه پدید آورد. سیاست رهبران مجاهدین خلق در زد و بند و سازش با سرمایه داران، نزدیکی روز افزون به دول مبریا لیست اروپای غربی و مرتجعین منطقه، خاور میانه، و عده‌های پوچ و توخالی سرنگونی چند ماهه رژیم به توده‌ها همه و همه تجربه بی‌اعتمادی توده‌ها نسبت به "شورای ملی مقاومت" شده است. به راستی آنها چه حرفی برای گفتن به توده‌های مردم دارند و قتیگه خواستار حفظ و بقای نظم موجودند؟ قتیگه از منافع سرمایه داران دفاع می‌کنند و خواستار حفظ ارتش و دیگر ارگانهای سرکوب هستند، قتیگه خواستار حفظ حکومت مذهبی هستند. دعوی آنها بسا جمهوری اسلامی خمینی یک دعوی خا‌نوادگی است. نه سلطنت طلبان و نه شورای ملی مقاومت "هیچک نمی‌توانند تغییری اساسی در جا‌معه پدید آورند و به درخواستهای انقلابی و دمکراتیک توده‌ها پاسخگویند. چرا که آنها قدا‌منا‌ف طبقه سرمایه دار هستند. تنها و تنها طبقه کارگر ایران می‌تواند نجات بخش توده‌های مردم از وضعیت فلاکتبار موجود باشد. تنها طبقه کارگر قادر است عموم توده‌های مردم را رهبری کند. به درخواستهای انقلابی و دمکراتیک عموم توده‌ها جا‌معه عمل پوشش و دمکراسی، رفاه و خوشبختی را بسا ارفغان آورد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران یگان‌ها سازمانی است که بسا پیگیرانه از آلترنا تئوکارگری در برابر کلیه آلترنا تئوهای غیر کارگری دفاع نموده و رادیکالترین و انقلابی ترین سرنا‌م‌ت‌سولات

اجتماعی و سیاسی را ارائه داده است. سازمان ما که از منافع طبقه کارگر ایران دفاع می‌کند و اساساً در جهت برانداختن نظام سرمایه داری، محور هرگونه استثماری و استثمار سوسیالیسم مبارزه می‌کند هدف فوری خود را سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق، یعنی نجات تحولات انقلابی و دمکراتیک قرار داده است که قدا‌م‌ا‌ر است یا سگویی در خواستهای انقلابی - دمکراتیک و رفاهی عموم توده‌های مردم باشد. در حالی که مدعیان دروغین دمکراسی، تنها برای جلب حمایت توده‌ها از دمکراسی و آزادی سخن می‌گویند و هیچگونه اعتقادی به دمکراسی ندارند. سازمان ما خواهان ایجاد یک رژیم حقیقتاً "دمکراتیک" است. اگر دمکراسی حکومت خلق معنا می‌دهد و اگر خلق را کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهری تشکیل می‌دهند، ما خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری فوری حکومت کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان ایرانیم. اگر مدعیان دروغین دمکراسی از شوراها بمناسه ارگانهای اقتدار توده‌ای و حشمت دارند، ما پیگیرترین مدافعان شورا‌های انقلابی و اعمال حاکمیت توده‌ها از طریق شوراها هستیم. اگر مدافعین دروغین دمکراسی از تسلیح عمومی خلق و ایجاد ارتش توده‌ای برخوردارند و رژیم خمینی نخستین گام را در جهت از بین بردن هرگونه سرمایه‌آزادی و دمکراسی، خلق سلاح توده‌ها قرار داد. ما از مردم نکستن کلیه ارگانها و تنها دهای سرکوب رژیم، ایجاد ارتش توده‌ای و تسلیح عمومی خلق دفاع می‌کنیم. اگر آلترنا تئوهای غیر کارگری همچون برنامه‌های برای رفاه اجتماعی توده‌ها ندارند، ما روشن ترین و صریح ترین برنامه‌ها را در این زمینه ارائه داده‌ایم. ما از مدتها پیش به توده‌های مردم توضیح داده‌ایم که آلترنا تئوهای غیر کارگری هیچ تغییری اساسی در وضعیت پدید نخواهند آورد. تنها آلترنا تئو کارگری یعنی برقراری فوری جمهوری دمکراتیک خلق می‌تواند تغییری اساسی در وضعیت جا‌معه پدید آورد. بر همین مبناست که همه روزه بخش‌های وسیع تری از توده‌های مردم به سوی ما جلب میشوند و بی‌می‌برند که با بید قدرت سیاسی در دست توده‌های مردم به رهبری طبقه

کارگر قرار گیرد و با هر تحولی که در ایران صورت گیرد با زهم تمام مواجسی که رژیم جمهوری اسلامی پیاور آورده است، در ابعا دبزرگتری تکرار خواهد شد. پس بی‌جهت نیست که امروزه از همه سوشلمان طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش به مبارزه آشکار با ما برخاسته‌اند. رژیم جمهوری اسلامی نیروی وسیعی را برای ضربه وارد آوردن به سازمان اختصاص داده است. سلطنت طلبان تبلیغات وسیعی را علیه ما سازمان داده‌اند. "شورای ملی مقاومت" نیز از هیچ تلاشی فروگذار نیست. مجاهدین خلق که زمانی ادعای دوستی با سازمان ما را داشتند، امروزه که با پیروزی سازمان کرده‌اند و خط مشی انقلابی سازمان را مانعی بر سر راه اهداف سازشکارانه خود می‌بینند، دشمنی را آشکار نموده‌اند. آنها تنها بسا تبلیغ علیه سازمان ما اکتفا نکرده‌اند بلکه به شکل بی‌سازار کودکانه‌ای کوشیدند که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران هوادار "شورای ملی مقاومت" درست کنند که توطئه آنها با شکست مفتضحانه‌ای روبرو شد. آنها بسا کوچکتر از آن هستند که بخوانند علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که مظهر آگاه و وجدان بیدار طبقه کارگر ایران است دست بسا توطئه بزنند.

خلاصه کلام: تمامی تلاشهای مذبحان‌ه، مدافعین نظم استمرانه سرمایه داری علیه سازمان خود نشان دهنده رعب و هراس دشمنان طبقه کارگر از قدرت گیری و نفوذ و اعتبار آلترنا تئوکارگری است. این واقعیت نقش و اهمیت سازمان را در جنبش و وظائفی را که در برابر آن قرار گرفته است نشان می‌دهد. ما بسا بدیش از گذشته بر تلاشهای خود برای سازماندهی و رهبری طبقه کارگر در مبارزه تلاش کنیم. بردا‌م‌نه فعالیت‌های تبلیغی خود در میان توده‌ها بسا فزاییم. برای کسب پیروزی‌های هرچه بیشتر و قدرت روز افزون تر باید انرژی خود را اساساً به سازماندهی و آگاه‌سازی طبقه کارگر اختصاص دهیم. قدرت ما در شکل و آگاهی کارگران نهفته است.

کارگران آگاه به منافع طبقاتی خود و کلیه فعالین سازمان باید در کلیه مراکز کارگری بویژه در میان کارگران صنعتی ورشته

## کمیته‌های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

# اطلاعیه

هائیکه دارای اهمیت استراتژیک هستند بنحویکه روزافزونی دامنه فعالیت خود را بسط دهند و هسته های سرخ کا رگری را گسترش دهند. باید کارخانه ها را به دستگیران پنهان کا رگران تبدیل کنیم. علاوه بر هسته های سرخ که صرفاً از میان کارگران ما رگبست - لنینیست هوا دار سازمان تشکیل می گردند باید در جهت ایجاد شکل های توده ای کا رگری بویژه کمیته های کارخانه تلاش نمود. رژیم از هیچ اعدا می برای از هم پاشیدن شکل های توده ای کا رگری فروگذار نکرده است. ما باید در هر

کارخانه و هر رشته صنعتی کا رگران مبارزی را که خواهان مبارزه علیه رژیم اند صرف نظر از اینکه هوادار کدما مچریان انقلابی باشند یا اعتقادات آنها چیست در کمیته های کارخانه که امروزه ضرورتاً "مخفی" است سازماندهی کنیم. مبارزات روزمره کا رگران را سازماندهی رهبری نمائیم و به تبلیغ ایسده، اعتبار عمومی سیاسی و قیام مسلحانه در میان کا رگران بپردازیم.

در خارج از محیط کارخانه و در مناطق و مراکز غیر کا رگری باید با ایجاد هسته های مخفی مقاومست مبارزه علیه رژیم را سازماندهی کرد.

کلیه رفقای هوادار سازمان موظفند بر اساس رهنمودهای فوق الذکر به فعالیت خود در میان کارگران ادامه دهند و چنانچه امکان ارتباط آنها در داخل میسر نباشد، برای برقراری ارتباط بدون برجای گذاردن کوچکترین ردائمنیتی با آدرس زیر:

B.P. 175

1050 BRUXELLES 5

BELGIQUE

با سازمان تماس بگیرند. آن دسته از سرپاگان و پرمضل انقلابی ارتش هوادار سازمان که ارتباط آنها با سازمان قطع شده است، یا تاکنون نتوانسته اند با سازمان ارتباط برقرار کنند، هرچه فوری تر از کا سالهای کا ملا" مطمئن بویژه از طریق دوستان و آشنا یان خود در خارج از کشور، آدرس

فوق الذکر با سازمان تماس بگیرند و از برقراری هرگونه ارتباط با افراد و عناصری که احتمال دستگیری آنها وجود دارد، یا ارتباط با سازمانهای دیگر مطلقاً خودداری کنند.

رفقا! فعالین سازمان! وظایفی که امروز بر عهده سازمان قرار گرفته است، مسئله ادا مه کا ری تشکیلات و پایداری ما را در مبارزه، به صورت یک مسئله درجه اول در آورده است. رژیم تلاش خود را علیه سازمان ما بکار گرفته است و می کوشد از کوچکترین نقطه ضعف و سهل انگاری ما استفاده کند و ضربات خود را بر ما وارد آورد. تضمین ادا مه کا ری و پایداری ما در مبارزه مستلزم برقراری دیسیپلین کید و جدی و رعایت دقیق ضوابط امنیتی است. سازمان ما باید سازمانی منضبط و اکیدا "پنهان" باشد. پنهان نگاری شدید و گزین کردن دقیق رفقای که

با ما کار میکنند، لازمه مبارزه در شرایط کنونی است. رژیم به شیوه های متعدد برای ضربه وارد آوردن به تشکیلات متوسل می شود که با هوشیاری می توان این تلاشهای مذبو حانه را نقش بر آب کرد. امروزه تعقیب و مراقبت های طولانی مدت به صورت یکی از شیوه های مستداول رژیم در آمده است. اکنون رژیم بجز در مورد آن دسته از رفقای که دستگیری آنها برای او دارای اهمیت جدی است، چندان عجله ای برای دستگیری یک رفیق تشکیلاتی ما نشان نمی دهد بلکه سعی می کند تا از طریق تعقیب و مراقبت دقیق شناخته شده بویژه از طریق ردیابی ماشین و تلفن به رفقای دیگر و بخشهای دیگر تشکیلات دست یابد و یک بخش از تشکیلات را به دام اندازد. رژیم برای شناسایی رفقای تشکیلات از شیوه های مختلف استفاده می کند. مثلاً سعی می کند فردی را که در زیر شکنجه از خود ضعف نشان داده است مرتباً "به سر قرار" رفقای تشکیلات بفرستد بدون اینکه بلافاصله اقدام به دستگیری کند، بلکه یک رشته تعقیب و مراقبت را آغاز می کند تا به تعداد بیشتری دست یابد. یک شیوه دیگر استفاده از برخی افراد بیگانه به کیو تر برقی می است. رژیم فردی را که کاملاً بیگانه است و در حال خود را می کند و هر بی بدون دستگیری او تعدادی را شناسایی و دستگیری می کند.

در آذر ماه سال گذشته، رفقای از بخش محلات و سازماندهی های مناومت تهران و تحریریه نشریه کار

دستگیر و یا به شهادت رسیدند. پس از تحقیق و بررسی مسئله روشن شد که رژیم از طریق شخصی بنا به نام یک در بخش محلات و کمیته سازماندهی هسته های مقاوم دست به تعقیب و مراقبت زده است که طی آن چند رفیق دستگیر شده و یا به شهادت رسیدند. اما پلیس از دستگیری شخص شناخته شده خودداری کرد و برای شکارهای بعدی خود فرد مذکور را ظاهراً "با یک بازجویی چند دقیقه ای آزاد کرد. هر چند این فرد در همان مقطع به مناطق آزاد شده کردستان فراخوانده شد و پس از خودداری وی که معنای جز ضربات بیشتر به سازمان در بر نداشت، به عنوان مسبب ضربات از سازمان اخراج گردید اما اطلاعات بعدی حاکی است که این فرد همچنان تلاش دارد با هواداران سازمان ارتباط برقرار کند. لذا چنانچه رفقای هوادار با چنین فردی برخورد کردند از هرگونه تماس

با وی خودداری کنند و اطلاعات خود را در مورد وی فوراً "در اختیار" تشکیلات بگذارند.

علاوه بر موارد فوق رژیم تلاش می کند با استفاده از "تواپین" به ویژه با هواداران سازمان ارتباط برقرار کند. رفقای هوادار موظفند از برقراری هرگونه ارتباط مگر با رفقای کا ملا" مطمئن خودداری کنند و از گرفتن نشریه بجای کا سالهای رسمی و شناخته شده سازمان خودداری کنند و در نظر داشته باشند که نشریه ای که با نظرسازمان منتشر می شوند عبارتنند از: نشریه کارگران سراسری سازمان، نشریه ریگای گهل نشریه شاخه کردستان، نشریه با می استار نشریه هواداران سازمان در هستان و بلوچستان و "چستان" نشریه هواداران سازمان در خارج

از کشور. سوا ی نشریات فوق الذکر هیچ نشریه ای متعلق به سازمان و یا هواداران آن نیست.

کلیه رفقای هوادار هرگونه موارد مشکوکی را در این مورد ملاحظه کردند بلافاصله اطلاعات خود را از طریق آدرس ذکر شده در اختیار سازمان قرار دهند.

در نظر گرفتن رهنمودهای امنیتی فوق بهیچوجه نباید کوچکترین تأثیری بر فعالیت رفقا داشته باشد و یا منجر به روحیه محافظه کارانه گردد. رژیم سعی می کند که با توانا جلوه دادن خود در سرکوب نیروهای انقلابی چنین القا کند که گویا قادر است در فعالیت نیروهای انقلابی وقفه ای

# اطلاعیه

ایضا دکنند، در حالیکه فعالیت مستمر سازمان در داخل کشور به وجود چنین تموراتی را اثبات می کند. رعایت موازین امنیتی فوق دقیقاً در خدمت ادامه کاری تشکیلات ما و مبارزه سرمختانه علیه رژیم است. رفقای سازمان! اصلی ترین و اساسی ترین شرط پایداری و ادامه کاری سازمان ما در مبارزه، استواری روز افزون ما در میان کارگران است. باید پیش از پیش تشکیلات خود را در میان کارگران مستحکم کنیم. باید در شرایط پیگردهای گسترده پلیسی-سیاسی تشکیلاتی ما تا سرحدی سیاه-سین نظامی سخت و جدی باشد. باید پنهان کاری را اکتفا رعایت کرد، باید هوشیاری خود را در هر لحظه حفظ کنید. هرگونه ارتباط اضافی، تماس های زائد و غیر تشکیلاتی و بی ارتباط غیر ضروری با بخشهای دیگر تشکیلات را مطلقاً قطع کنید! از اجرای مداوم قراربویژه در میادین شهرها و رعیاً با نهائی که مورد رفت و

آمدن و آمدن مزدوران رژیم است خودداری کنید! پیش از اجرای هر قراربویسی از اتمام قراربویس خود را دقیقاً چک کنید، هر سهل انگاری می تواند ضرباتی جبران ناپذیر به تشکیلات ما وارد آورد.

کارگران! اعضا، هواداران سازمان! مشکلی که امروز سازمان برای پیشبرد وظایف خود به شما آن رو بروی تشکیلات مالی است. همگان ملاحظه کنید که تشکیلات مالی سازمان کمکهای مالی اعضا و هواداران سازمان و توده های مردم است. ایدئولوژی، اهداف و مقاصد سازمان ما مانع از آن می گردد که جز به شما اتکاء به خود و پشتیبانی و حمایت توده های مردم قدیم برداریم. بر همین مبناست که سازمان ما توانسته است خط پیشی انقلابی خود را پیگیرانه ادامه دهد، از منافع کارگران و زحمتکشان دفاع کند و استقلال ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی خود را حفظ کند. امروز که از یکسوی شرایط سرکوب و اختناق هزینه های هنگفت تری را برای بقاء کادرهای تشکیلات و ادامه کاری فعالیت سازمان به ما تحمیل نموده است و با هر یورش رژیم و بی اهرام احتمال ضربه بخش عظیمی از

امکانات مالی و تدارکات مالی سازمان از دست می رود و از سوی دیگر بطور روز افزونی نیروهای وسیعتری بسوی سازمان گرایش پیدا میکنند و ضرورت سازماندهی آنها هزینه های با زهم بیشتری را می طلبد. سازمان جدیداً "درمقیه مالی قرار گرفته است، هیچ تردیدی نیست که این مشکل سازمان نیز تنها و تنها با اتکاء به توده ها قابل حل است. ما از کلیه کارگران و زحمتکشان، اعضا و هواداران سازمان میخواهیم که با کمکهای مالی خود سازمان را یاری رسانند. کلیه اعضا و هواداران سازمان در هر کجا هستند باید بتوان و انرژی خود را برای رفع هر چه فوری ترین مشکل سازمان بکار گیرند. از هر امکانی که در اختیار دارند برای این منظور استفاده کنند، از هر کانهائی که می شناسند برای گرفتن کمکهای مالی از کارگران و زحمتکشان اقدام کنند. بخش بیشتری از دستمزدها و حقوق خود را به عنوان کمک به سازمان اختصاص دهند. هواداران سازمان کمکهای خود را در داخل از کانالهای تشکیلاتی و جناهی کانال تشکیلاتی نداشته باشند از طریق دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور به آدرس بانکی

A.A.H  
739066F  
CREDIT LYONNAIS  
134 Bd VOLTAIRE  
75011 PARIS  
FRANCE

واریز کنند و رسیدن را با آدرس زیر ارسال دارند:  
A.C.P  
B.P. 54  
75261 PARIS CEDEX 06  
FRANCE

رفقا! مشکل مالی سازمان یک امر جدی است. با تمام توان برای حل این مشکل اقدام کنید. هیچ تردیدی نیست که ما قساً دریم در کلیه عرصه ها مانع را از پیش پای خود برداریم و وظایف انقلابی خود را در جنبش ایفا نمائیم.

سرنگون باد  
رژیم جمهوری اسلامی  
برقرار باد  
جمهوری دمکراتیک خلق  
نسا بسود باد  
امیرالایسم جهانی بده  
سرکردگی امیرالایسم امریکایی  
ویا یگما، داخلیستن

مرک بر نظام سرمایه داری  
زنده بسا دسوسیالیسم

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
۱۳۶۳/۴/۲۵

## دمکراسی

بقیه از صفحه ۱۵

در جهت حل معضلات کنونی خود نخواهد کرد و تا شیر عملی خود را در تمامی عرصه ها برجای خواهد گذارد. و روز به روز حزب دمکرات را هر چه بیشتر به سوی جانشداری از سیاست - هائی سوق خواهد داد که بی مبغون کنونی مبارزه انقلابی بوده های زحمتکش و با منافع آتی آنها مغایرت اساسی دارد سیاست - هائی که ریشه اصلی آنها در چگونگی درک از مقوله دمکراسی در شرایط مشخص جامعه ما و در این مقطع از مبارزه کارگران و زحمتکشان نهفته است.

### پانویس

۱- برای آن که هر چه جامع تر باشد استدلالها و دلایل حزب دمکرات را بهر آموخ طرح "سوسیالیسم دمکراتیک" آشنا شده و اصولاً دیدگاه حزب دمکرات در مورد رابطه دمکراسی با سوسیالیسم را بیشتر بشکافیم، ضروری است که به اشارات کوتاه مقاله مندرج در شماره ۹۴ کوردستان، ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات (که در نوشتن این مقاله مورد استفاده قرار گرفت) اکتفا نکرده هما نظیر که در شماره قبل گفته ایم، به جزوه "بحثی کوتاه درباره سوسیالیسم" مصوب کنگره ششم حزب دمکرات مراجعه نمائیم، تا بسینیم "نظریاتهای حزب درباره دمکراسی و سوسیالیسم" در این جزوه چگونه بیان شده و میان این نظری سوسیالیسم دمکراتیک کدام است، و حزب دمکرات چه هدفی را چگونه در این جزوه و در طرح این مسئله دنبال کرده است. که این کار را به فرصتی دیگر، در شماره های آینده می گذاریم.

# دمکراسی

از صفحه ۱

از دمکراسی وعدم شناخت مرحله کنونی انقلاب ایران زمانی خود را بوضوح آشکار می سازد که حزب دمکرات پیرامون بنورالایسمن سیاسی نقطه نظرات خود را توضیح می دهد و در عمل مدافع دمکراسی می شود بلکه برخلاف تصور حزب دمکرات نه ابداع این بیان نیرو، بلکه واقعیتی که ملا عینی است: دمکراسی بورژوازی! دمکراسی که نه تنها در جامعه ما و در تجربه مبارزاتی توده های زحمتکش خلقهای سراسر ایران بلکه در کسلی تا ریخ جهانی به دورانی سپری شده متعلق است و امروز چهره ارتجاعی خود را در برخورد به مسائل توده ها و دمکراسی واقعی، در تمام میزبینه ها آشکارا ساخته است.

و نیز گفتیم با چنین درکی از دمکراسی است که حزب دمکرات نقطه حمله خود را در مقاله "خودنه بر روی نیروها و برنامها" که حقیقتاً ضد دمکراسی به مفهوم واقعی آن هستند، بلکه بر روی نیروها - یعنی می گذارد که اعتقاد دارد "هم - پیمان استراژیک" این حزب نیز هستند یعنی "احزاب و سازمانهای مترقی" و "نیروهای چپ".

ما روشن ساختیم مسئله طبقه ای بودن دمکراسی و در نتیجه محدودیت آن به نقشی و جایگاه هر کدام از اقشار و طبقات اجتماعی در مبارزه طبقه ای جاری است ابداع این بیان نیرو، حزب بنا سازمان نیست، یک واقعیت عینی است و اگر حزب دمکرات با چنین برخوردی چیزی را بختی برای خود نیز پوشیده نگا دارد، نمی تواند گمانی را که با چنین دیدگاهها در تعارض آشکار قرار دارند، متهم به عدم درک این بیان مسئله کلی بنماید. حزب دمکرات کردستان با ابداع اندام اصل دمکراسی و درک مشخصی از آن یکی از اساسی ترین اصول برنامهای این مرحله از مبارزه دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای سراسر ایران است. و نمی توان بسط و

با سخ دقیق به آن کسی هم به جلو برداشت و اتحاد همگامی نیروهای سیاسی را - که در شرایط کنونی امری الزامی و ضروری است - عملی و مستحکم ساخت و چشم انداز روشنی برای هرگونه اتحاد با پایداری متصور بود.

اما حزب دمکرات علیرغم اینکه خود درک مشخصی از دمکراسی ارائه نمی دهد، و وقتی که دمکراسی او را پیش را بر زمین سخت می گذارد، از دمکراسی بورژوازی درمی آورد، تنها به ارائه درک کلی و مغشوش خود از دمکراسی اکتفا نمی کند، بلکه چنین درکی را تمهید داده حتی خواهان سوسیالیسم "دمکراتیک" نیز می شود. حزب دمکرات در این زمینه خاص نیز (که این روزها خیلی روی مسئله آوردن واژه "دمکراتیک" در پیش سوسیالیسم تا کید دارد) دست به بردیف نمودن استدلال های خاص خود می زند و تلاشی می کند، در جنبش ایران، "ابداع" جدیدی را عرضه نماید.

حزب دمکرات در توضیح تاکید مکرر خود بر این امر می گوید: "تاکید بر دمکراسی با عبارت دیگر امری است که من تسلط اکثریت توده های خلق به معنای قبول و دفاع از حق دخالت مستقیم توده های مردم در امر تعیین سرنوشت خودشان می باشد".

می بینیم که حزب دمکرات در توضیح تاکید خود بر این کلمه که به دنبال سوسیالیسم بدک می کند با زهم به تعاریف کلی و مبهمی که مجرد پناهنده است که نمی تواند به خودی خود بدون آن که نتیجه گیری های پشت این تعاریف به وقت ارزیابی گردد، دلایل ارائه آنها درک شود، ما قبلاً هم مطرح ساختیم که مفهوم "دخالت مستقیم توده های مردم در امر تعیین سرنوشت خودشان چیست و چگونه می توان امکان آن را ایجاد نمود که این دخالت مستقیم صورت گیرد و برای انجام آن چه مقدماتی ضروری است، چه چیز می

باید در هر مرحله که شود که شرایط کنونی متحول گردد و چه چیزی باید ایجاد گردد و تقویت شود تا از یک سو نه تنها دخالت مستقیم بلکه فعال توده ها در امر تعیین سرنوشت خود عملی گردد و از سوی دیگر هرگونه احیای وضعیت گذشته غیر ممکن گردد

ما در این که کسی خواهان چنین "دخالت مستقیمی" از سوی توده ها باشد، حرفی نداریم بلکه استقبال هم می کنیم، برای ما چگونگی حرکت در جهت ایجاد چنین امکانی مطرح است. برای ما صرف کلیات تعیین کننده نیست، برخورد مشخص با این کلیات و به عمل در آوردن آنها است که نشان می دهد فلان نیرو و جقدر به تعاریف کلی معتقدات خود پایبند است و جقدر نیست. تعاریف کلی تا زمانی که در حد همان تعاریف باقی بماند چیزی با درخوا هستند، عملکرد مشخص و برنامه روشن است که به آنها هویت و عینیت می بخشد.

اما حزب دمکرات در برخورد با این تعاریف نیز هذافی را دنبال می کند و بیهوده دوباره به این تعاریف متصل نگشته است چرا که خود این کلی گوئی نیز نوعی برنامه نوعی هویت است. بی جهت نیست که حزب دمکرات بلافاصله می گویند "در مرحله سوسیالیسم نیز این دمکراسی نه تنها نباید در جهت قید و بندی گردد، بلکه باید بسیار وسیع تر و عمیق تر نامین شود" (تاکید از ما است)

حزب دمکرات با طرح این مسئله که این دمکراسی نه تنها نباید در جهت قید و بندی گردد، آن هم در مرحله سوسیالیسم، بلکه "تاکید بر مضمون عمیقاً "دمکراتیک" سوسیالیسم ندارد، بلکه مسئله او حفظ "این دمکراسی" در درون سوسیالیسم (که گویی چیزی مفایر دمکراسی است) نیز هست. همانطور که ما قبلاً گفتیم برخلاف تصور حزب دمکرات به همان اندازه که "این دمکراسی" مضمون و محتوای طبقاتی مشخص دارد، خود سوسیالیسم نیز مضمون و محتوای مشخص دارد و نمی توان "این" را به آن پیوند زد. دمکراتی که هدف بیشتر از آن که تاکید بر مضمون سوسیالیسم باشد، حفظ "این دمکراسی" باشد که هویت طبقاتی آن مشخص است. و گرنه سوسیالیسم به عنوان یک مقوله اجتماعی - اقتصادی بطور مشخص در مرحله خاصی از تفسیح و شکوفائی مبارزه طبقه ای و بر زمین عینی رشد نیروهای مولد و به دنبال توازن خاصی در جامعه مستقر می گردد. سوسیالیسم خود نظامی است مبتنی بر اعاده حقوق اکثریت جامعه و سازماندهی تمامی

## مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دمکراسی جدا نیست

# دمکراسی

امکانات موجود برای مساجد و نیکبختی گمانی که ارزشهای مادی جامعه بشری آفریده شود آنهاست و درجهان سرمایه داری کترین بهره را از آن می برند و این اعتبار رو به اعتبار اینکه چنین سازماندهی های توسط ارگانهای خودتوده ها انجام می گیرد دمکراسی به وسیع ترین شکل ممکن است. این دمکراسی از طریق طبقه کارگر به عنوان پیشروترین و انقلابی ترین عنصر دوران جدید و جامعه بشری اعمال می گردد، که در پیکار برای مان خود علیه مفسد سرمایه داری، از طریق سرنگونی قهرآمیز استیلای بورژوازی و درهم شکستن نظم حامی آن و کسب قدرت سیاسی به طبقه کارگر میسر گردیده و حاکمان دیروز به بنیادهای حکومتی جامعه جدید تبدیل می نمایند. طبیعی است که در چنین شرایطی دمکراسی حاکمان جدید جامعه با دمکراسی سرنگون شنبه فرقی کیفی و اساسی خواهد داشت و دمکراسی مورد نظر حزب دمکرات نه تنها دچار قید و بند نخواهد شد، بلکه هر گونه و بازگشت به وضعیت غیرعادی گذشته نیز سرنگون خواهد شد. دولت طبقه کارگر در چنین حال که وسیع ترین دمکراسی را برای محرومان جامعه امروز ایجاد خواهد کرد، به شدیدترین وجهی در مقابل هر گونه تشبیهی برای بازگشت به گذشته برخورد خواهد نمود.

آنچه را که حزب دمکرات می خواهد به چنین جامعه ای یعنی جامعه سوسیالیستی ببرد آنرا در چنین جامعه ای عمیق تر و وسیع تر سازد، اگر همان دمکراسی که ما قبلاً درباره آن صحبت کردیم باشد، بدون تردیدی می توان گفت حزب سوسیالیسم را به قدری سوار بر دمکراسی مورد نظر خود بالکسوزده، ببرد و بوزود آنرا "دمکراتیک" سازد. دمکراسی حزب دمکرات که حتی برای مرحله دمکراتیک انقلاب نیز بسیار عقب مانده و سستی و فرسنگها دور از مضمون اساسی مبارزه برای کثونی خودهای زحمتکش خلقهای سراسر ایران است، زمانی که بسا ضروری برام به مرحله سوسیالیسم

نیز کش داده می شود و خط و نشان کشیده می شود که می باید دچار قید و بند گردد، نه تنها با سوسیالیسم هیچ قرابتی ندارد، بلکه بیش از آن که نشانه وفاداری به سوسیالیسم و محتوای راستین آن باشد، هدفی جز تهیه کردن آن از مضمون و محتوی راستین رادیکال نمی کنند.

سوسیالیسم نه تنها مقابله با دمکراسی، نیست بلکه عالی ترین شکل دمکراسی نیز هست و آنچه که در سوسیالیسم وسیع تر و عمیق تر می گردد، نه دمکراسی مورد نظر حزب دمکرات بلکه دمکراسی به مفهوم خاص آن است. همانگونه که دمکراسی مورد نظر حزب دمکرات نوع خاصی از دمکراسی بوده و هست مسئله سوسیالیسم انتقال چنین دمکراسی ای نیست، بلکه تغییر در کیفیت و اساسی آن است. دگرگونی آن نه تنها در عرصه سیاسی بلکه حتی اقتصادی و اجتماعی نیز هست پایه های دمکراسی در جامعه سوسیالیستی برشالوده سازمان دهی نوینی از مناسبات اجتماعی - اقتصادی استوار است، همانطور که دمکراسی در جامعه بورژوازی برشالوده و بین روابط معین فیما بین اقشار و طبقات اجتماعی استقرار یافته است. همانگونه که مسئله استقرار سوسیالیسم انتقال بی کم و کاست مناسبات اجتماعی کنونی به آینده نیست (حتی دمکراتیک ترین شکل آن) بلکه تغییر کامل چنین مناسباتی و ایجاد دو استعکام مناسبات نوینی است، دمکراسی در جامعه سوسیالیستی نیز جدا از چنین تغییر بنیادی نیست و نمی تواند باشد و آنچه که در جامعه سوسیالیستی تمهیق پیدا می کند و وسیع تر می گردد، نه آنچه که موجود است بلکه فرآیندی است که بهر ویرانه های وضعیت موجود و در جریان تغییر آن ساختار و پرداخته می شود و در سوسیالیسم تمهیق هر چه بیشتر می یابد.

کمونیستها اگر در شرایط کنونی و در مرحله کنونی از

مبارزات طبقه کارگر خلقهای سراسر ایران خواهان دمکراسی هستند به این مفهوم نیست که مقابله خاصی بین دمکراسی و سوسیالیسم موجود است، بلکه به هرکس دقیقاً به خاطر ارتباط تنگاتنگی است که بین دمکراسی مورد نظر این مرحله و کمونیسم

فراروشی آن به مرحله عالی تر از طریق نفی جنبه های متضاد آن وجود دارد. دمکراسی که در آن منافعی کارگران و زحمتکشان با مفهوم برآورده شده و تجلی اتحاد سیاسی مرحله ای آنها باشد، طبیعتاً و بدون تردید ظرفیت فراروشی بشکل عالی تر را خواهد داشت. ولی این دمکراسی همانطور که گفتیم بسا دمکراسی مورد نظر حزب دمکرات فرق اساسی دارد. آنچه که از دمکراسی حزب دمکرات و پیلورالیسم ناشی از آن، عاید جامعه می شود، چیزی جز استقرار مجدد نظم سرمایه داری با رنگ و لعاب جدیدی نیست ولی آنچه که در یک دمکراسی انقلابی عملی می گردد و تجلی خود را در یک جمهوری دمکراتیک متکی بر ارگانهای اقتدار توده ای و بورژوازی، آشکار می سازد، درست در هم شکستن پایه های قدرت چنین نظامی است جمهوری دمکراتیک کارگران و زحمتکشان اگر چه اطلاعات بورژوازی دمکراتیک را به حدی خود و به سرعت هر چه تمام تر و به انقلابی ترین شکل ممکن به پایان می رسانند. لیکن هدف حفظ خود نظام رادیکال نمی کند، بلکه آنرا به کمال می رساند تا محدودیت عینی آن را در عمل و در بالاترین حدتکامل خود آشکار سازد و راه را برای محو کامل آن هموار نماید. هدف انقلاب دمکراتیک پیشبرد روندهای سوسیالیسم است. دمکراتیک است لیکن تشبیه آنها و با انتقال بی کم و کاست آنها به سوسیالیسم نیست، بلکه نفی آنها و ایجاد و تشبیه روندهای نوینی است که بتواند بر الزامات عینی و عملی جامعه، جامعه عمل بیرون سازد و دمکراسی به مفهوم واقعی آنرا - که امری الزاماً طبقاتی است و نه چیز دیگری - اعمال نماید.

پس آنچه که در سوسیالیسم تمهیق یافته و وسیع تر می گردد، دمکراسی نوع خاصی است که جوانه های آن در همان فرسودگی و پیروزی انقلاب دمکراتیک و در جریان همین پیروزی سر بر می آورد و در مرحله سوسیالیسم به استقرار کامل خود می انجامد. درست جنبه ای از دمکراسی و نوعی از دمکراسی که امروز مدافعان دمکراسی نصاب بورژوازی از چپ و راست در مقابل آن به ترسیم خط و نشان مشغول هستند، و مدافعان چنین دمکراسی ای را به "سکتراریسم"، "ابداع گری" و "عدم درک" متهم می نمایند. اینها بسا ضروری است که



# دمکراسی

که نه بعنوان واقعیتی که خود در حرف و در عمل مدافع آن هستند، بلکه اصلاحي ابداعی و غیرواقعی می شمارند که "ما زمانها واحزاب مترقی" از خودشان درآورده اند.

بین دمکراسی و سوسیالیسم تنها مفاهیمی وجود ندارد، بلکه دومی می تواند از نفی دیالکتیکی اولی حاصل گشته و به عنوان تکامل یعنی آن محسوب گردد. لیکن دمکراسی بورژوازی نه تنها هیچ قربانی با سوسیالیسم ندارد و به مرحله سوسیالیسم انتقال نمی یابد، بلکه برعکس استقرار سوسیالیسم مستلزم درهم کوبیدن کامل آن نیز هست، نه تنها "عمیق تر و وسیع تر تا میسر نمی گردد بلکه محدود تر و محدودتر نیز می شود. و تلافی حزب دمکرات برای آن که نگذارد: "در مرحله سوسیالیسم نیز این دمکراسی دچار هیچ قید و بندی نگردد، بلکه تلافی موافقی نخواهد بود. چرا که دمکراسی دلخواه حزب دمکرات روی سوسیالیسم را نخواهد دید مگر آنکه خود را تغییرناپذیر نماید، دست به "ابداع" و غیره بزند و نام خود را سوسیالیسم هم بگذارد، آن هم منوع دمکراتیک آن کاری که چندان نوع آوری هم محسوب نمی گردد، اگر در محدوده کوچک گوردستان هم نا شناخته باشد، در سطح جهانی سر شناخته شده ای است.

اما حزب دمکرات تنها به ادا ماه "این دمکراسی" تنها مرحله سوسیالیسم اکتفا نمی کند و "این" معجون هفت جوش را همچون دعای تمویذی تا من جلوگیری از هرگونه دیکتاتوری و "ریاکاری" نیز می داند که نه تنها در شرایط کنونی و "درجا" دیکتاتوری "ما" می تواند بدلاگردان فاجعه باشد، از طریق "پلورالیسم سیاسی" و "تدوین قانون اساسی دمکراتیک" ضمانت اجرایی برای آینده نیز ایجاد می کند. معجونی که بسیار در دست داشتن آن و "با وسیع تر و عمیق تر تا میسر نمودن آن" می توان شرایطی ایجاد کرد که نه تنها دیکتاتوریزدگی کنونی رفع شود بلکه حتی در مرحله سوسیالیسم نیز (مرحله دمکراتیک که چیزی نیست) به هیچ دسته و گروهی

اجازه داده نشود که فردای پیاده شدن سوسیالیسم را کارانه چهاره عوش کند و با نام و عنوانی تازه دیکتاتوری دیگری بر خلاف محتوای راستین سوسیالیسم تحمیل نماید. (تاکیدها از ما ست)

دمکراسی حزب دمکرات که هويت خود را با طرح مسائل کلی پیرامون دمکراسی و درک ابتدائی و عملا "بورژوازی از پلورالیسم سیاسی و حمله قاطعانه به مبدعان و مبتکران اصلاحي از قبیل "دمکراسی بورژوازی" و "تسدرت طبقه کارگر و ... یعنی نفی وجود مبارزه طبقاتی بدست می آورد و از سوی دیگر نقطه حمله اصلی خود را به بر ضد دمکراسی و دمکراسی دروغین، بلکه به اصرار شکفت انگیزی بر مدافعان سرخست دمکراسی یعنی "حزب و سازمانهای مترقی و نیروهای چپ ایران" متمرکز می کند و در همین حال اصرار می ورزد که "همپیمانان استراتژیک" این احزاب و سازمانها و بیوزنه نیروهای چپ نیز هست. (همپیمانان استراتژیک که هیچ وجه اشتراکی در یکی از مهم ترین اصول برنامه ای امروز انقلاب ایران با دیدگاه حزب دمکرات ندارند) اینها می خواهند، در چنین روندی و با چنین هویتی خود را "وسیع تر و عمیق تر" ساخته این بار "در مرحله سوسیالیسم"، "قید و بندها" را بشکنند و در مقابل "ریاکاران" مدافع "محتوای راستین سوسیالیسم" گردد و سوسیالیسم را فصل تعمید داده، از طاعون "دیکتاتوریزدگی" رها سازد که تحت هر نام و عنوانی ممکن است مثلی "ریاکار" در مداخله آن باشند.

حزب دمکرات همانگونه که فکر می کند سوسیالیسم گویا مفاهیمی دمکراسی است و با یاد آن "دمکراتیک" نمود، همانگونه که تصور می کند که دیکتاتوری محمول توطئه این با آن دسته است و دمکراسی محمول جلوگیری از این با آن توطئه و "ریاکاری" توسط این با آن گروه و شخص و درست به همین جهت در نمایش مفکک تعارضی بین "ریاکاران" و "غیرریاکاران" (که مدافع راستین هر چیزی هستند) به ایفای نقش تراژیک می پردازد که نتیجه آن چیزی جز دوری هر چه بیشتر حزب دمکرات از دوستان و همپیمانان استراتژیک اعدای ایشان نیست.

شاه بیت و اساس استدلالهای حزب دمکرات در این زمینه است:

مقایسه بین دیکتاتوری موجود و دیکتاتوری درجا مع سوسیالیستی، از این طریق ایجا دهنیت برای نفی دیکتاتوری درجا مع سوسیالیستی... که به نظر حزب دمکرات غیر "دمکراتیک" هست - تشکیل میدهد حزب دمکرات بسدون آنکه کوچکترین تلاشی برای ارائه دلیل و منطق در این زمینه بکنند یا سوسیالیسم دمکراتیک خود را مستقیما از مقایسه بین این دو نوع دیکتاتوری استنتاج می کند.

حزب دمکرات از درک این مسئله عاجز است که "دیکتاتوریزدگی" در "ما" همانقدر با "اجتماعی" مشخصی دارد که "دیکتاتوریزدگی" ایشان. همانقدر تا کید حزب دمکرات برای مرزها و "ریاکاران" در این زمینه با "سوسیالیسم" در "دیکتاتوری در سوسیالیسم" حزب دمکرات اگر چنین واقعیتی را در می یافت به این راحتی چنین قیاس مع الفارق را پیش نمی کشد. نحوه برخورد حزب دمکرات در وهله اول این تصور را به وجود می آورد که حزب دمکرات از خود لفظ "دیکتاتوری" و عنوان آن بیختر وحشت دارد، لیکن واقعیت این است که حزب دمکرات بیش از همه از دهنیتی که از این مقایسه به وجود می آید - اگر خود هم دچار آن نباشد - بهره برداری می کند تا آنچه را که امروز واقعیت عینی و قابل لمس برای توده های زحمتکش است، وثیقه ای برای نفی آنچه که به تصور حزب دمکرات (چدید لحاظ عنوان وجه به لحاظ محتوی) بالآخره دیکتاتوری است و در این مقایسه "گمانی" "ریاکاران" درصدد استقرار آن هستند، نموده، بدین وسیله از نفرت عمومی علیه دیکتاتوری موجود - نفرتی که منشأ آن نه شناخت دقیق علمی از پایه های قدرت یک دیکتاتوری بلکه واکنش انعکاسی ناشی از زندگی فلاکتیاد در تحت استیلاي آن است - بهره برداری نموده، واقعیتی را وسیله ای برای نفی حقیقتی علمی مبدل نماید. این کار اگر از سوی یک فرقه ای می صورت گیرد که از الفیای دانش سیاسی بی بهره است ممکن است عادی جلوه کند ولی وقتی که به روش سیاسی یک حزب سیاسی که مدعی رهبری جنبش کنونی گوردستان نیز هست، تبدیل می گردد، نمی توان ندانند که آنها امری عادی تلقی شود، بلکه بسیار هم غیر عادی و اسفناک است.

# دمکراسی

حزب دمکرات هیچ وقت و در هیچ جایی روشن نگردیده است و به این کاره متن نمی دهد - که فرق بین دیکتاتوری موجود، دیکتاتوری رژیم گذشته یعنی رژیم پهلوی و دیکتاتوری پرولتاریا که حزب دمکرات از نطفی اولی و دومی (با دلائلی در حدیک فردا می آید نمی موی می رسد چیست و به وجه نشا به ظاهر می آنها که همان کلمه دیکتاتوری است اکتفا کرده است چیزی که وجه تشخص اصلی هیچ کدام از آنها نیست دیکتاتوری شاه و دیکتاتوری پرولتاریا اگر چه هر دو با دیکتاتوری شروع می شوند ولی وجه تشخص هیچ کدام از آنها فقط دیکتاتوری نیست وجه تشخص همین آنها یکی رژیم شاه بعنوان جسم اراده، طبقه خاصی با موقعیت اقتصادی - اجتماعی معین و دیگری پرولتاریا، طبقه ای با جایگاه معین اجتماعی - اقتصادی و تاریخی است. و کاربرد دیکتاتوری از سوی هر دوی آنها نه تنها مضمون یکسانی ندارد بلکه نقطه مقابل هم دیگر نیست. و هر دوی آنها دیکتاتوری خود را بر بخشی از جامعه اعمال می کنند که برای بخشی دیگر این دیکتاتوری، معین دمکراسی است. اولی اکثریت قریب به اتفاق جامعه را به نفع اقلیت ناچیزی از همه چیز محروم می ساخت. همان کاری که امروز رژیم جمهوری اسلامی می کند و دومی با اعمال دیکتاتوری، همین اقلیت ناچیز را از امتیازات خود محروم ساخته، آنها را به صاحبان اصلی خود یعنی موجدین اصلی ثروت اجتماعی، باز می گرداند. اولی با اعمال دیکتاتوری خود از نظم سرمایه داری بطور کلی و سرمایه داری وابسته بطور خاص حراست کرده و می کند و دومی با اعمال دیکتاتوری خود نظام سرمایه داری و بقایای آن را که موجد اصلی تمامی بدبختیها و بی عدالتیهای اجتماعی کنونی است به گور می سپارد. همان گونه که جمهوری دمکراتیک خلق به عنوان دیکتاتوری کارگران و زحمتکشان که با پیروزی انقلاب دمکراتیک مستقر می گردد، دقیقاً و به همان شیوه با بهای قدرت سرمایه داری را درهم شکسته و بر علیه حامیان چنین نظامی شدیدترین دیکتاتوری را اعمال می نماید و در عین حال وقبل از همه وسیع ترین

عرصه را برای فعالیت همسازان دمکراتیک توده های کارگر - زحمتکش ایجاد نموده، نه تنها از منافع آنها حراست می نماید، بلکه قدرت و هویت خود را نیز از ارگانهای اقتدار این اقشار و طبقات می گیرد.

حزب دمکرات با مخدوش کردن مرز بین "دیکتاتوری" امروز و دیکتاتوری در مرحله سوسیالیسم عملاً مرز بین دمکراسی و سوسیالیسم را مخدوش می کند تا نتایج دلخواه خود را بگیرد. و بدین وسیله توجهی برای دمکراسی خود پیدا کند و سعی جهت نیست که با این برخورد های سطحی نقطه حمله خود را روی کمونیستها یعنی "ریا کاران آینده" می گذارد که می خواهند "در فرود آمدن پیاپی شدن سوسیالیسم (الابد از سما) - ؟" ریاکارانه، دیکتاتوری جدیدی را تحت هر نامی و عنوانی پیاپی کنند. "گوئی این ریاکاران امروز دیکتاتوری را در پشتوی خانه شان یا هر جا که می خواهند، دیگر برهنه کرده اند و منظور پنهان شدن مسافر عزیز یعنی سوسیالیسم در ارض موعود نشسته اند، در این صورت حزب دمکرات چرا یک گروه تجسس "دیکتاتور" را تعیین می کند از اذیت آنها که حزب دمکرات در منطق و استدلال کم در در عرصه تجسس پر کند.

علاوه بر این حزب دمکرات چنین ریاکارانی را که تاکنون و تا همین امروز محتوای راستین سوسیالیسم را به محتوای نارااستین تبدیل کرده اند و به آن جنبه "ضد دمکراتیک" داده اند، نه تنها در عرصه داخلی حتی در سطح جهانی روشن نمی نماید و چهره سوسیالیسم ضد دمکراتیک و سوسیالیست های ضد دمکراسی و سوسیالیسم با محتوای راستین را برای خوانندگان مشتاق نخریبه اش افشای نمی نماید تا آنها را از گمراهی هر چه بیشتر به در آورده و گول "ریا کاران" را نخوردند. در این صورت است که هم حقیقتاً "نقاب" این چهره "ریا کاران" بر سر گذاشته می شود و هم سوسیالیسم واقعی شناخته می شود و دمکراتیک و مکتب - دمکراتیک بودن آن روشن می گردد. و هنگامی که ریاکاران را پیدا می کنند که بیخند "ریا کاران" واقعی کسب وجه کسانی نه تنها در مرحله سوسیالیسم حتی بسیار پیشتر از آن، در مرحله دمکراتیک انقلاب مانع از آن می گردند که ریاکاران و زحمتکشان بتوانند در تصمیم گیریها و اجرای آنها سهمیم باشند و به صورت ابزار اجباری

سیاستی در پیاپی بند که خود در آن هیچ دخالتی ندارند" و چنین چیزی در برنامها، نیروهای سیاسی، هم اکنون چگونه تجلی پیدا کرده است. آیا این خود حزب دمکرات نیست که در سطح جنبش (در این مرحله از جنبش سوسیالیسم پیشکش ایشان) سیاست پذیرش و تبلیغ برنامها، اختلافهای بورژوا فرمیستی عملاً آب به

آسیاب دست اندر کاران ندارد که چنان شرایطی می ریزد که در آن "کارگران و زحمتکشان" نتوانند در تصمیم گیریها و اجرای آنها سهمیم باشند و به صورت ابزار اجباری سیاستی "در پیاپی بند" که خود در آن هیچ دخالتی ندارند" حزب دمکرات دست پیش را گرفته است که پس نیفتد، چپ ایران را به هر چیزی متهم می کند، بدون آن که خود صریحاً "از آنچه که دفاع می کند سخن بگوید. در این گونه موارد تا آنجا پیش می رود که حتی پسا را از کلیم "دمکرات بودن" خود (که مظلومانه هر کجا که از استدلال پسا می ماند، بدان متوسل می شود) فرا تر گذاشته، سوسیالیسم را هم می خواهد بسک سنگین نموده (مثل برنامهای سراسری موجود که یکی را انتخاب کرده است) تا نوع خاصی از آن را انتخاب کند و در تا بلوی "هدف نهائی" خود بر دیوار کوتاه خانه اش آویزان نماید.

سوسیالیسمی که بر اصل مقصد و طلایی دمکراسی حزب دمکرات (که در بهترین حالت در عصر روشنگری سیرمی کند) منطبق گردیده، روی دیگر که "کهنه حزب دمکرات" را تشکیل دهد، سکهای که امروز دیگر از رونق افتاده است. حزب دمکرات این کار خود را خردن تنها دمکراسی خود را تعقیب نمی بخشد، بلکه برای آن توجه نیز می تراشد، سوسیالیسم حزب دمکرات امروزها قدر به سوسیالیسم واقعی نزدیک است که دمکراسی او به دمکراسی واقعی، و همان قدر غیر واقعی و تخیلی است که دمکراسی او کهنه شده و غیر واقعی است. از همین روست که حزب دمکرات بیش از آن که به دنبال استدلال واقعی و علمی برای توضیح نقطه نظرات خود - که نقطه نظر تخیلی شناخته شده هستند - باشد، در جهت ایجاد تناقضات مصنوعی میان مفاهیم مجرد و حل صوری آنها برآمده است تا نتیجه گیری دلخواه خود را از آنها بدست آورد. کاری که در جریان سخت مبارزه، طبقه ای امروز جامعه ما، هیچ کمکی به حزب دمکرات در

# گوزارشیک له ؟ مهراسمی چه کدار کردنی دستهبیک له پیشمه رگه گانی فیدایی

از صفحه ۱

دینیی چه سهری نیلای همرور ه  
چار و چه نجال هروپا گاندی بهر  
وی له لایه که وه وه هتیر شسی  
و حشیا نه ی به ته وای هیزو توانا  
له لایه کنی دیکه وه بوسه رکوت کردن  
رشیک شکاندن بزوئنه وه شور شگیرانه ی  
که لی کورد سروزه بی ده دا . هه ر  
روزه راده که پنی کسه لیا سایش و  
ته مینه ت له کوردستاندا بفره راره  
پیشمه رگه وه هیزه خه با تگیره گگان  
( وایله به ه ولی خوی دزی خه بات )  
به ته وای له به بن چون ، کوردستان  
به ته وای له زرجا وه دیری نیمه تابه .  
به لایه به به بیچه وانمی درود مطه  
سه و چار و چه نجا له کانی ریزیم  
له هه ر هتیر شیکدا کهوسر ناویچه کانی  
کوردستان دینیی له کسه ل بفر  
به ره کانی ی کاره مانا نوشترانه ی  
پیشمه رگه گان رو به روده بیستی وه  
به دانی ته له فات و خه ساره نیگی  
زوه وه تیک ده شکی وه یا به بیستی  
له به رجا و کرتنی ته وه هه سووه  
نه له فات و خه ساره ته له یه ک بیا  
دوشوین داده هه زری رگه هه ر  
کاتی و چار له دوا ی چار له زیم  
زه پری پیشمه رگه دا به ته تک دینت .  
وه به بیچه وانمی ته وای فرور  
فیسا له کانی ریزیم روز لسه  
دوا ی روز ریزی پیشمه رگه  
بته بزوو به هیز تر ده بیسی . کومهل  
کومهل خه لک ولا یه نگران خویشان  
بزه ها تنه تا وریزی پیشمه رگه تا ماه  
ده کن وه هه ر روزه ریزی پیشمه رگه

به رین تر و به هیز تر ده بی .  
" ده با کونه به رستان وه هل  
به رستان لیره به کیشن ، تبه وه ی  
که کیه ده بی بینین که شه کوردنی  
شور شه " .  
له روزی ۳۳ ما تکی بوش بهه ری  
۱۳۶۳ داله زانگی میا سسی -  
نیز این شه هید هه سمودی ره حمه تی  
به را سلیقه بوته ی ته وای و سوشنی  
ده وره ی بینجی شه هید ته سمه دی  
به زدانی ( شاهو ) بیکه ساته  
چه ماهه تی له ها ورین کنه شه م  
ده وره یان ته واکرد بو ، به رگی  
شا تا زی پیشمه رگا به پتان له بهر  
کرد ، وه ها تنه تا وریزی پیشمه رگه  
کاره مانه کانی سازمانی چریکه  
فیدایی کانی خه لکی شیرانه وه .  
ته م به راسه له یه کیک لسه  
هه ره کانی سازمان به به شداری  
چه ماهه تی له ها ورین نو پیشمه رگه  
گیان له خوهر دوه کانی سازمانه  
که لا له یه کنی ریک وینک وه به یسار و  
بیره وه ری وه ریزگر تن له شه هیدان  
به خویند ته وه ی سرودی تیترا نا -  
سیرتال به زمانی کوردی ده سنس  
بی کرد . به شوین ته وای یه کینک له  
ها ورین کویته ی کوردستان  
ها تنه تا وریزی پیشمه رگه سازمانی  
چریکه فیدایی کانی خه لکی شیران ،  
به م ها ورین ته بیزوبانی ووت .  
باشان یه کیک له ها ورینانی  
فرمانده ی نیزانی دوا ی یسار و  
بیره وه ری له شه هیدان ها تنه

تا وریزی ها ورینانی تازه کسه  
زانگویان به شانازیه وه ته واکرد  
بو بیزوبانی ووت ، وه سه بنا روت  
به قونا خنی نیزانی بزووتنه وه  
که لی کورد هیندی قسه وباسی کورد  
ها وری فرمانده له به شی لسه  
قسه کانی دواتی :  
شیر و به کیک له ره رگه کانی  
شورش که به ته ستوی نیمه دایسه ،  
ته وه یه که یا شه به شداری چا لاکاند  
له م شور شه دا ، ده بی له تجرو بگانی  
که لک وه رگرین وله گول کسه م  
و کورتی . ته م بزووتنه وه یه به جوانی  
به دوین وه به رخوردی بی بکه پین ،  
قانون نه ند یه تا یه تیه کانی به  
باشی بنا سین وه ریکا وشو پنیسی  
تا زه ی به پیدا بگین و به کاری  
به هینین . هه روه ها ته م ها وری به  
له دریزی قسه کانی دواتی ،  
ته م تا یه پتان که به سه ر قسه م  
شوره شور شگیرانه دا زالسه ،  
ته م یه که قونا خنی تپتای شه م  
شوره هه روه ک پیشوله قونا خنیکی  
دیقای تیترا تیجیکدا یه وه ته وازن  
و به را جهری هیزی تیترا تیجی ،  
قونا خنی دوا یی ته م شه ره بینک  
دینیی . نیمه ده بی تا کیکه کانی  
له رویی تیترا تیجی ته م قونا خه  
له بزووتنه وه دا دابنن .  
ده بی له چالاکی وه مه لیاته  
کانماندا خله تی تا کیکه کانی  
ته ها روزی وه له نه زه ری شگله وه  
ده بی به شیوه ی پارتیزانی بسن .

سدرگه و توبی بزووتنه وه ی شور شگیرانه ی گه لی کورد

گوزاوشیک له :

...ی هه تا نه ورا ده به کاتیکانی  
...یه له شه ری چه بهی خستو  
...با رین و هه با نه چه کدرا نسه  
...که مان به شیوه یکی پار تیز انسی له  
...بختی چه بهه گانی زینم به شیوه یکی  
...نیری در یه بی به یه نیه . نه م شیوه  
...له هه پاتی چه کدرا نه ده بی زور

جولانه وهی له پسان نه هانوی  
سیاکه ل رنگای بوخه با تگزا نسی  
کومونست کرده وه وه خه تی به  
تالی به سه رته کاری نه پورتونستی  
وهه ل په رستانه دا گیشا هه ر  
جاره ها وریانی تازه به تیما نیکی  
پولایی وشور شگیزانه وه به جهرگی  
پیشه رگه قارمانه گانی فیدائسی  
په یومندی ده گرن وراستی و  
هه قانیه تی خه تی نوسولسی و  
وئید نولوزیکی پولایی سازمان له

ها وری یا نیه وه سویند تا نه یکی  
خویند وه ووی و کیمه له به ر  
کردنی جل و به رکی پیشه رگا به نسی  
وه هاتنه نا وریزی پیشه رگنسی  
سازمانی چریک فیدائیه گانسی  
خه لکی تیرانه وه به شانازی ده زانین  
وه هه ربه وجوره ی که له هه ته ریزی  
فیدائی دا غیر بوین له رنگای  
روخاندی ریزی چه مهوری شیلای  
ودا مه زرانندی چه مهوری  
دیوگرا تیکی خه لک وه هه  
که یشتن به سوشیا لیزم سار به رزی  
بی پشودان هه نگا وهه ل ده گرین  
تیموله کوردستان له م مه ته ر بزه  
موقوم و سوره ی شورش تیرانه دا  
ده بی به ده ستی چه که گانمان  
به راجه ربه به کری گرا وانسی  
سه رطایه بگرین ده به دسته کی  
دیگمان توی تا گاهی وشورتن  
سازمانده هی و ته شکیلا تالده  
نیوان کریگاران و زه هه تکیشا ندا  
به چی نیین و به ته وای توانا وه له  
مه ته ریزی سوشیا لیزدا له  
مه ته ریزی سه رکه وتنی گه لاند  
له مه ته ریزی شورشدا ول

نیوان چینی کریگاران و زه هه تکیشا ندا  
هه رچی زیاتر و زیاتر روین ده که نه  
تیموله مه ته ریزی دیفاح له شه ر ف  
وتا زادی، خوراکری و پاپه داری له  
پیشگامانی سیاکه ل که لک وه زه گرین  
وه له کوردستانی خوینا ویدا له  
ها وریانی وه که مه سمود سکون  
نه نوه ره هه که سوتسه د فیر  
ده بین .  
پاشان ها وریانی که نه م  
ده ووهی زانگریان ته واکورد  
بوله نا و سرود و روشنی  
چه ماعت به ده ستها وریا نسی  
به ریری نیزای چه کدار کوران  
ویه کیک له ها وریانی تازه چه کدار  
کراوبه نیوتنه را به تی له لایسه ن



به هوشیاری وریایی وه هه لیا تیکی  
فانگ گرانه وتوند و تیز به شیوه ی  
زه بر لیدان تیکی په پتا په پتا وه هه مینه  
نه ده ریزی شورشگرانه مان هه بی  
دیوانی ته و او بوی شه کانی  
...ای روی شه رطاندیری نیزای  
...ها وریکی پیشه رگه که له ده ووه ی  
...پیشودا چه کدار کرابویشی : "تیکسای  
...شانازی که به شه هید بوونی هه  
...ما وریکی پیشه رگه ده مان کسه س  
...چه کی دا که وتوی نه وشه هیده به رزی  
...ده که نه وه و خویان له پینسای  
...تا مانج وریا نی چینی کور . یکار  
...بورزگار رهون له تیشتا روه به دی  
...هیتا نی دیوگراسی و سوشیا لیزم  
...تا ظ ده ده گن . هه روه ها که

# ما چه میخواهیم و برای چه مبارزه میکنیم طرح برنامه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

مقدمه:

## پیرامون ضرورت و خصوصیات برنامه

هنگام آن فرارسیده است که در جنبش کمونیستی ایران بنده پراکنده و تشتتی که سالهاست با ما درگیر است این جنبش بوده است با بیان داده شود. این نیاز نه مبتنی بر تمایلات و آرزوهای وحدت طلبانه، بلکه ضرورتی است که از مقتضیات عینی مرحله کنونی جنبش ناشی شده است. مرحله ای که معمولاً یک دوران از مبارزه آشکارا و انقلابی بوده است، رشد و اعتلاء جنبش کارگری، عمل و زرفا یافتن مبارزه طبقاتی، مرزبندی و تفکیک روزافزون طبقاتی و پیدایش احزاب و سازمانهای توده ای با هویت طبقاتی است. اکنون دیگر جنبش ما به مرحله ای رسیده است که دوران اشکال زندگی ما قبل حزبی را پشت سر بگذارد و دوره ای از زندگی حزبی کاملاً بگذارد. اکنون دیگر مسئله جنبش ما فعالیتها و پراکنده گروها و سازمانها نیست، بلکه مسئله اناسی وحدت و تنکیلات، وحدت درونی و کمونیستهای ایران و تشکیل یک حزب کمونیست سراسری، حزب طراز نوین کمونیستی است.

چگونه می توان گام عملی و اساسی را در این جهت برداشت؟ باید برنامه واحد انقلابی، زیرا برنامه اولین و اساسی ترین گام در جهت وحدت بخشد. فعالیت مارکسیست - لنینیستهای ایران و محکم کردن پیوند آنهاست. تنها برنامه می تواند مناسبتی برای وحدت عمل حزب ارائه دهد. بدون یک برنامه انقلابی نه می توان مناسبتی برای وحدت نیروها ارائه داد و در جهت تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگر ایران گام برداشت و نه در سراسر زمان و در همه سراسر مبارزه طبقاتی پرولتاریا فعالانه مداخله کرد. چرا که برنامه قطب نمایی است که یک سازمان پرولتاری با پیراهن خود را در مبارزه طبقاتی از طریق آن بگناید.

بر مبنای این نیازهای عینی جنبش بود که ما زمان ما نزدیک به

یک سال پیش طرح برنامه ای را که اکنون در سطح جنبش انتشار یافته است، در دوران سازمان به بحث گذاشت. این طرح نه محمول تصورات و تغلیت ذهنی، بلکه از آینده و بر فراست از زندگی واقعی است، منعکس کننده نیازهای عینی جامعه است و در گور آن سخت ترین مبارزه، ایدئولوژیک و ملاحظاتی، تجربیات و دست آوردهای جنبش کمونیستی ایران و جهان به دست آمده است. با کلیه جریانات بورژوازی، خرده بورژوازی و اپورتونیستی مرزبندی روشن و آشکارا در رده و سندهویت طب انقلابی مارکسیستی - لنینیستی در ایران است.

واقعیت این است که ما - امروز بیش از پیش به جریانی در جنبش ما خود را از یکدیگر متمایز می سازند و میسیم میکنند: ۱- خط اپورتونیست - رفرونیست که مبلغ سازش طبقاتی و مصروف ارتداد در جنبش است، توسط حزب توده نمایندگی می شود و امثال "اکثریتی های" خائن را نیز در بر می گیرد. هر چند چهره رسوای فدکا رگری و ما هیت شوروی پرا تیک این جریانی بکلی فاش و بر ملا گشته است، اما این خط به مثابه خط اپورتونیست - رفرونیست به حیات خود ادامه خواهد داد.

۲- خطی که گروهها و سازمانهای ما سیرتالیست خرده بورژوا نظیر گروه موله و سپید، آنرا رهبری می کنند و پس از ورشکستگی نظری و عملی آنچه که در جنبش ما به نام خط ۳ شناخته شده است با تزئین و آرایش این خط خود را در زمانهای به نام "حزب کمونیست ایران" متشکل کرده اند و بقایای گروهها و سازمانهای متلاشی شده، خط ۳ و تروتسکیست نظیر پیکار، رزمندگان، وحدت کمونیستی و امثالهم نیز به این جریان پیوسته اند.

۳- خط انقلابی مارکسیستی - لنینیستی که سازمان ما مدافع بیگیز و نما بنده اصلی این خط در سطح جنبش محسوب می گردد. این خط که در میان کارگران و روشنفکران انقلابی ایران از نفوذ و اعتبار قابل ملاحظه ای برخوردار است و اکنون زمینه های عینی وحدت و انسجام نیروهای آن بیش از پیش

فراهم گشته است، وظیفه عظیم تشکیل حزب حقیقتاً "انقلابی کمونیست" حزب طراز نوین طبقه کارگر را بر عهده دارد. حزبی که شرایط عینی و ذهنی جامعه پیش از پیش تشکیل آن را به امری فوری و مبرم تبدیل کرده است و انتشار طرح برنامه از سوی ما نخستین گام عملی در راستای تشکیل آن است.

همه این واقعیتها و شرایطی که اکنون جنبش در آن قرار گرفته است ضرورت انتشار طرح برنامه را از سوی ما نشان میدهد. اینک که مضمون ضرورت برنامه را مورد بررسی قرار دادیم، لازم است اندکی در باره مضمون و شکل طرح برنامه نیز صحبت کنیم.

این طرح در کلیت خود در بر گیرنده برنامه ها و اهدافی است که پرولتاریاست. در این برنامه وظایف و نظرات اساسی ما، وظایف و درخواستهای فوری ما فرمول بندی و مشخص شده است. برنامه ما از سه بخش تشکیل شده است:

بخش اول آن شامل بخش شوریک و عمومی برنامه است که تمام مواد بعدی برنامه ما از آن منتج شده است. در این بخش وجوه مشخصه اساسی نظام کمونیستی ایران و جهت تکامل آن مورد بحث قرار گرفته است. و شیوه تولید مسقط مشخص شده است. این بخش با ذکر مشخصات سرما به داری ایران و سرما به داری بطور کلی آغاز میگردد. نحوه فرمول بندی به گونه ای است که تکامل تدریجی سرما به داری در ایران و توأم با آن ملاحظه امپریالیسم و وابستگی اقتصادی، تضادهای ناشی از آن و مصائب اجتماعی که این سرما به داری پدید آورده است به صراحت نشان داده شود.

سپس رشد بدیستی، مسمومندگی، شیاهی و استعمار طبقه کارگر به عنوان نتیجه اجتناب ناپذیر این نظام و تکامل آن و روشها و نارضایتی در میان کارگران و در پایان نیز ضرورت انقلاب سوسیالیستی نتیجه گیری شده است.

در بخش دوم وظیفه سیاسی فوری ما، روابط طبقه کارگر با طبقات دیگر مشخص شده است و دشمن اصلی و بلاواسطه که مانع اصلی بر سر راه تکامل اجتماعی بطور عمده و تکامل جنبش طبقه کارگر بطور خاص محسوب می گردد روشن شده است.

بخش سوم شامل مطالبات مشخص است و درخواستهای برنامه ما در پرولتاریا را در بر میگیرد. این بخش خود به چند جز تقسیم می شود. یک جز به درخواستهای اساسی برای

### طرح برنامه . . .

تغییرات انقلابی عمومی در سراسر کشور یعنی درخواستهای دمکراتیک اساسی اختصاصی یافته است. جز دوم به درخواستهای عمومی رفاهی و اجتماعی اختصاص داده شده است. جز سوم شامل مطالباتی در جهت برانداختن سلطه امپریالیسم وابستگی اقتصادی و دمکراتیک گزیدن اقتصاد کشور است. جز چهارم مطالبات کارگری و جز پنجم درخواستهایی به نفع دهقانان است که بخش ارضی برنامه را تشکیل می دهد. این بود بطور مختصر روال برنامه.

در اینجا لازم به تذکر است که در تهیه و تدوین این برنامه در موارد متعدد تا آنجا که مباحثی با شرایط مشخص مانداشته است، بر فرضی از فرمولبندیها، زمینه از برنامه های معتبر، بویژه از طرح برنامه میسره ارفورت و برنامه بلشویکها نقل شده است. بخش وظایف فوری سیاسی و نیز بخش مطالبات مشخصی نیز از اساسی مبتنی بر "برنامه عمل" سازمان است. کمبودهای برنامه عمل در زمینه مطالبات مشخصی کارگری نیز با تکیه به بخش مطالبات مشخصی کارگری برنامه بلشویکها و در نظر گرفتن مطالبات ویژه ما، بسندان اضافه شده است. در این طرح برنامه با توجه به رهنمودهای مارکسی، انگلیس و لینین اساسی ترین معیارها و ضوابط تا آنجا که ممکن است بر مبنای پروولتری و خصوصیات آن حتی در شکل رعایت گردیده است. نکات برنامه مسجل، قطعی و بی چون و چراست. هیچ ابهام و شرط و شروطی وجود ندارد. از این رو هم مرتباً تبلیغ و ترویج را تسهیل می کند و راه را بر هرگونه ابورتونیسم سد می کند. برنامه است مشخص که از نیازهای عینی و زندگی واقعی نشأت گرفته و نه مجردی از آن چیزی سخن گفته که حقیقتاً وجود دارد و آن چیزی خواسته شد. که عملی و ضروریست.

در این طرح تزیینات کوتاه، مشخص و قابل فهم بدون کلمات زائد و کلمات و جملات تکراری ارائه شده است. از توضیح و تشریح مسائل نیز خودداری شده است. جای توضیح

و تشریح در برنامه نیست بلکه در تشریحات تبلیغی و ترویجی و تشریحات و بولتنهای بحث های تئوریک است. و بالاخره زبان برنامه قاطع، صریح و روشن است تا هرگونه ابهام را از میان بردارد. همگی این خصوصیات بیباک و خصوصیات پروولتری برنامه است. سازمان ما بنا به نقش و وظایف خود در جنبش و درک ضرورت برنامه، این طرح برنامه را تهیه و پیش از آنکه به تصویب قطعی برساند در سطح جنبش منتشر ساخته است تا همه نیروهای ممکن امکان یابند. انتقادات خود را در مورد آن اعلام کنند. ما مراً از کلیه مارکسیست - لنینیست های ایران می خواهیم که فعلاً آن در مباحث مربوط به این طرح شرکت نکنند و نقش خود را در تدوین یک برنامه واحد انقلابی ایفا نمایند.

### طرح برنامه

#### سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که مدافع منافع طبقه کارگر بطور واضح، و از موضع طبقه،

کارگر مدافع منافع عموم بوده های زحمتکش ایران است. اهداف و مقاصد خود را آشکارا بصورت یک برنامه اعلام میدارد.

این برنامه که در حقیقت یک فرخواست کارگران ایران علیه نظام مبنی بر برستم و استعمار سرمایه داری، و ستم محکومیت قطعی این نظام محسوب می شود. در عین حال اعلان جنگ نهائی به تمام سرمایه داران و کلیه مرتجعین است که مدافع وضعیت فاکتور کارکنونی و نظام مبتنی بر بردگی کار مزدوری هستند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به منظور تحقق این اهداف که چیزی جدا از اهداف و منافع طبقه کارگر نیست، عموم کارگران و زحمتکشان استعمار شده و ستم دیده ایران را به تشکیل و اتحاد حول این برنامه فرا می خواند.

۱- توسعه مبادله بین المللی و تولید برای بازار جهانی آنچنان مناسبات نزدیکی میان تمام ملتهای جهان بوجود آورده است که جنبش رهایی بخش کبیر پروولتاریا

به تازگی برمی بایستی بین المللی شود و از مدت ها پیش نیز بین المللی شده است.

ما به مثابه ادا مدهندگان راه بنیانگذاران حزب کمونیست ایران در ۱۹۲۰ خود را گردانی از ارتش جهانی پروولتاریا و بخشی از جنبش کمونیستی جهانی تلقی می کنیم و برای همان هدف نهائی مبارزه می کنیم که کمونیستهای سراسر جهان

این هدف نهائی به وسیله غلبت جامعه سرمایه داری و رونق توسعه آن تعیین گشته است. ۲- شیوه تولید سرمایه داری که وجه مشخصه اصلی آن تولید کالای مبتنی بر روابط تولید سرمایه داری است و در آن مهمترین و اساسی ترین بخش و سایر تولید و مبادله به تعداد قلبی افراد متعلق دارد در حالیکه جمعیت کشوری مرکب از پروولترها و نیمه پروولترها بنا به موقعیت اقتصادی خود را گزیرند بطور مداوم با بصورت قطعی نیروی کار خود را بفروشند. با تحولاتی که در آغاز دهه چهل در ایران بوقوع پیوست مسلط

۳- این تحولات که بر مبنای رشد تدریجی و طولانی مناسبات تولید کالای و نیز سرمایه به همگی امپریالیستی صورت گرفتند مناسبات تولید کالای را تا اقصی نقاط کشور گسترش داد.

ایران که تا پیش از فرمهای اوائل دهه چهل بمتنا به تولید کننده معمول و احدی در سیستم جهانی تقسیم کار امپریالیستی جای گرفته بود، از این پس به نحوی همه جا نیز در نظام جهانی اقتصاد امپریالیستی ادغام گردید و به آن وابسته شد.

۴- مسلط شدن شیوه تولید سرمایه داری که با صدور روزافزون سرمایه های امپریالیستی، گسترش صنعت نوین و استفاده از تکنیکهای جدید همراه بوده است، بطور مداوم منجر به از میدان بیرون رانده شدن موسسات کوچک بوسیله موسسات بزرگ شده است. تولیدکنندگان کوچک که برای مقاصد در برابر موسسات بزرگ راندا رند، دانشخانه خرابتر می شوند. برخی به پروولتاریا تبدیل می گردند، نقشی دیگران در عرصه اقتصادی اجتماعی محدودتر می گردد و در مواردی رده نحو مشقت باری به سرمایه وابسته می شوند.

## پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

### طرح برنامه . . .

۶- پیشرفتهای تکنیکی که استفاده هرچه بیشتر از کارگران و کودکان را در پیروستولید و مبارزه کالای فرا بیش داده است و نیز قدرت جذب محدود نیروی کار در سرما به داری وابسته ایران سبب شده است که مدام تقاضا برای نیروی کار از عرضه آن عقب بماند. وابستگی کارگر مزد بگیر به سرما به افزایش یا بدو سرما به داران امکان بیشتری با بند تا درجه استعمار کارگران را بایلابرند.

۷- زاپنرو وجود یک ارتش عظیم از سیکاران سبب شده که کارگران با عطف ارزان نیروی کار خود در معرض استثمار شدیدتری قرار گیرند و سطح استثمار آنها فوق المساده افزایش یابد.

۸- بحرانهای اقتصادی که بر اثر استثمار ذاتی سرما به داری به نفع اجتماع تا پذیرای بطور ادواری بروز می کنند و در ایران بر اثر وابستگی اقتصادی بطور مداوم و کم بقصه ای شدید می شوند و طولانی ترمی گردند. این روند را بازم بیشتر شدت می بخشد. بحرانها و دوره های رکود در یک سو با نه طریقی تولیدکنندگان خود را تشدید می کنند و از سوی دیگر وابستگی کارگر مزد بگیر به سرما به افزایش می یابد و با سرعت بیشتری منجر به وخامت نسبی و مطلق وضعیت طبقه کارگر می گردد. فقر و بدبختی عدم اعتماد به آینده، فقدان تا میخی اجتماعی و کمبود روز افزونی بیشتر می شود و نیاز برای ونگاف مسلمان شروتمندان و شهیدستان مسدود همبقی تر و وسیع ترمی گردد.

۹- از این رو به نسبت اینکه تضاد های ذاتی سرما به داری رشد می کنند و توسعه می یابند، برناراضی و اعتراض کارگران افزوده می شود. قدرت و همبستگی آنها افزایش می یابد. مبارزه آنها با استثمار کارگران تشدید می شود و تلاش برای رهایی از یوغ تحمل نا پذیر سرما به بیشتر می شود. در عین حال روند توسعه سرما به داری با تمرکز سختیدن به وسائل تولید و با مبارزه و اجتماع کردن پیرویه کار در عوالت سرما به داری، بطور مداوم امکان کافی جا بگزینی سوسالیم به جای سرما به داری یعنی امکان انقلاب اجتماعی را که هدف نهائی

تمام فعالیت های کمونیستها سست هر چه بیشتر فراهم می سازد.

۸- انقلاب اجتماعی پرولتاریائی با جا بگزین کردن مالکیت اجتماعی به جای مالکیت خصوصی پرولتاریائی تولید و مبارزه دلیونیز تولید اجتماعی سازمان یافته و برناراضی شده، به نابرایی اجتماعی، استثمار انسان از انسان و تقسیم جامعه به طبقات با بیان خواه بدبخت و بدبخت تر تیب تمام بشریت مستعدیده را آزاد خواهد کرد.

۹- رهایی طبقه کارگر تنها به دست خود طبقه کارگر میسر است. چرا که تمام طبقات دیگر جا معه غیر فم اختلاف منافع می که با خود دارند، همگی خواهان حفظ ثالوده های نظام سرما به داری اند.

۱۰- شرط لازم برای انقلاب اجتماعی پرولتاریائی، دیگنا ت سوری پرولتاریائی است که طبقه کارگر را قادر سازد مقاومت اجتماعی کارگران در هم شکنند و تمام موانعی را که بر سر راه هدف بزرگش قرار دارد از میان بردارد.

۱۱- سازمان چریکهای فدائی خلق ایران وظیفه خود می داند که تضاد آشتی تا پذیر میان کارگران و سرما به داران را فاش سازد. اهمیت تاریخی و شرایط لازم برای انقلاب اجتماعی را به پرولتاریا توضیح دهد و چاره نا پذیری موقعیت توده های زحمتکش و استثمار شده دیگر را در جامعه سرما به داری و نیاز به انقلاب اجتماعی را برای رهایی آنان از یوغ سرما به برای آنها آشکار سازد.

۱۲- سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تمام اقا رشده ها و زحمتکش و استثمار شده را تا آنجا که مومسح پرولتاریا را اتحاد می کنند بطرف خود فرا می خواند.

۱۳- سازمان چریکهای فدائی خلق ایران خود را موظف می داند که راه تشکیل حزب کمونیست ایران که قادر به مبارزه طبقاتی پرولتاریا را در تمام اشکال تجلی آن تا تبدیل به هدف نهائی رهبری کند، تسلاش ورزد.

۱۴- سرما به داری جهانی تقریباً از آغاز قرن بیستم به امپریالیسم که بالاترین مرحله در تکامل سرما به داری است تبدیل شده است که در آن انحصارات نقش تعیین کننده ای یافته اند.

۱۵- در این مرحله از تکامل سرما به داری جنگهای امپریالیستی که با رزترین آنها جنگهای جهانی اول و دوم بوده است برای تسلط بر جهان، کسب یا از رهایی جدید و انقیاد ملل کوچک و خلقهای عقب مانده اجتناب

۱۶- نا پذیر شده است. امروز سرکردگی امپریالیسم جهانی را امپریالیسم آمریکا یعنی به سکر املی ارتجاع جهانی و زاندارم بین المللی بر عهده گرفته است. که سابقه تسلطی امپریالیستهای جنگ طلب را رهبری می کند. بلوکهای متجاوز نظامی را تحکیم می بخشد. دست به ماجراجویی نظامی می زند و زمینه را برای یک جنگ جهانی جدید فراهم می سازد.

۱۷- امپریالیسم آمریکا املی ترین دشمن مشترک کلیه نیروهای است که در راه استقلال، دمکراسی و سوسالیم بیکار می کنند.

۱۸- سطح فوق العاده بالای سطح سرما به داری جهانی، جا بگزیند رقابت آزاد با سرما به داران نظامی افزایش هزینه های زندگی، رفاه ملیتها ریم و هزینه های ناشی از آن، موانع بزرگی که بر سر راه مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر پدید آمده است. فقر، خانه خرابی و عدم اعتماد به آینده، همه این عوامل مرحله کنونی تکامل سرما به داری را به عصر انقلابات سوسالیمت می

۱۹- پرولتاریائی تبدیل نموده است. این عصر مدتهاست که آغاز شده و شکوه مندترین نمود آن، انقلابات پیروزیت کبیر سوسالیمتی اکثر در روسیه، انقلابات شرق اروپا، جنوب شرقی آسیا، و تشکیل یک اردوگاه از کشورهای سوسالیمتی در مقابل اردوگاه امپریالیسم است.

۲۰- تنها انقلاب سوسالیمتی پرولتاریائی می تواند بشریت را از فرجنگها و تمام معاشی که امپریالیسم به بار آورده است رهایی بخشد.

۲۱- فرارسیدن عصر انقلابات پرولتاریائی، امر آما ده نمودن همه جا نیه پرولتاریا را برای کسب قدرت سیاسی، برانداختن نظام سرما به داری و استقرار سوسالیمت به وظیفه مبرم روز تبدیل نموده است. انجام این وظیفه مبارزه بی رحمانه علیه تمام اشکال اپورتونیسما که به مور مختلف

۲۲- موانعی بر سر راه رشد مبارزه طبقاتی پرولتاریا، رسالت تاریخی و هدف نهائی آن محسوب می گردند و گسست قطعی از هرگونه اپورتونیسما را می طلبد.

۲۳- از دیدگاه ما خط اپورتونیسما فرمیستی که کمترین تجلی آن "اورو کمونیم" و نیز مدافعین این خط و مشی در کشورهای تحت تسلط نظیر حزب توده که با نفی نظریه سوسیالیستی انقلاب قهری و دیگنا ت سوری پرولتاریا، ما رکسیم- لنینیسم را

### طرح برنامه ...

از جوهر انقلابی اش تهی ساخته و سیاست سازش طبقاتی یا سوزووازی را جایگزین مبارزه طبقاتی انقلابی پرولتری ساخته اند.

- خط سوسیال دموکراتیک یعنی سوسیالیست درگفتار و سوسیالیست در کردار که سرکردگی آن را "سبب کمونیست چین برعهده گرفته است و با دفاع از استراتژی "سه جهان" ایضا مبلغ سیاست سازش طبقاتی در عرصه جهانی شده است، و نیز سبب جریانات ترنسکیستی که عملاً خرابکار سوزووازی بین المللی در جنبش طبقه کارگر محسوب می شوند، حملگی خائن به طبقه کارگر و بطور کلی مرتد محسوب می شوند.

- بخلاف امروز در جنبش کمونیستی جهانی احزاب و سازمانهای نیوساز وجود دارند که گرچه از مارکسیسم - لنینیسم منحرف شده اند، اما این انحرافات منجر به تسلط خط سوسیال دموکراتیک - رفرمیستی یا سوسیال سوسیالیستی در این احزاب و سازمانها نشده است بلکه سبب انحرافات انحرافی رویزیونیستی را سبب (نظیر احزاب کمونیست شوروی، آلمان و...) و یا چسب (نظیر حزب کمونیست آلبانی) در غلطیده اند. از این رو امکان تغییر و اصلاح در آنها وجود دارد و ما دام که به یک جریانیان اپورتونیستی - رفرمیستی یا سوسیال سوسیالیستی تکامل نیافته اند، در جنبش کمونیستی جای دارند.

- یگانگی خط انقلابی مارکسیستی - لنینیستی که ما مدافع پیگیر آن هستیم مارکسیسم - لنینیسم را یگانگی ایدئولوژی طبقه کارگر می شناسد و با پذیرش ضرکونیستی به عنوان عصر انقلابات پرولتری، و نیز انقلاب قهری، دیکتاتور پرولتاریا وارد و گاه سوسیالیستی به مثابه متعدد جهانی پرولتاریا یا "اورو کمونیسم" ترنسکیسم "خروشچفیم" و تمامی انحرافات سبب های کنگره های ۲۰ و ۲۲ حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی (نظیر گذار مسالمت آمیز به سوسیالیسم،

تزراره رشد غیر سرمایه داری خروشچفی، رقابت اقتصادی بعنوان مهمترین قلمرو نبرد دو اردوگاه، دولت و حزب عموم خلق...) و نیز مدافعین استراتژی "سه جهان" و

احیا سرمایه داری در شوروی مرز بندی قاطع دارد.

- از این رو خط مارکسیستی - لنینیستی، خط انترناسیونالیستی و انقلابی پرولتری ما بر مبنای اتحاد و همکاری تمام با خط انقلابی مارکسیستی - لنینیستی، دشمنی و مبارزه قاطعانه با خط سوسیال دموکراتیک - رفرمیستی و سوسیال سوسیالیستی و با حفظ موضع مستقل، اتحاد و مبارزه ایدئولوژیک با جریاناتی که به گرایشهای انحرافی رویزیونیستی دچار شده اند، استوار می باشد.

+ کمونیستهای کشورهای مختلف در راه اهداف نهائی مشترک خود که توسط طبقه کارگر، تولید سرمایه داری در سراسر جهان معین شده است تا گزیر از اتحاد و وظائف پرولتری غیر متناهی باشد. زیرا سرمایه داری در تمام کشورهای یک درجه توسعه نیافته و در کشورهای گوناگون سرمایه داری در محیط سیاسی و اجتماعی گوناگونی توسعه می یابد.

در ایران جایی که سرمایه داری هم اکنون به شیوه تولید مسلط تبدیل شده است، به سبب تسلط امپریالیسم، وابستگی اقتصادی و بقایای متعدد نظامات ماقبل سرمایه داری که موانع عمده ای بر سر راه پیشرفت اقتصادی و وسط کامل و همه جانبه، مبارزه طبقاتی پرولتاریا محسوب شوند. ستیم اقتصادی و سیاسی ای که بر میلیونها تن از توده های مردم اعمال میشود و دیکتاتور عربی و عمان گسیخته ای که به مثابه جز لاینفک روبنای سیاسی سرمایه داری وابسته، توده وسیع مردم را در ناآگاهی و انقیاد نگاه داشته است، پرولتاریای ایران نمی تواند هدف فوری خود را انقلاب سوسیالیستی قرار دهد.

بدین جهت سازمان جریکهای فدائی خلق ایران سرنگونی رژیم ارتجاعی حاکم، برانداختن تسلط امپریالیسم و یگانگی اجتماعی آن (سوزووازی وابسته) قطع هرگونه وابستگی اقتصادی، سیاسی و نظامی به امپریالیسم و دمکراتیزه کردن جامعه را به منظور تسهیل شرایط برای گذار به سوسیالیسم و وظیفه نخست و فوری خود قرار میدهد.

+ انقلاب ایران بخشی از انقلاب جهانی پرولتاریائی سوسیالیستی محسوب می گردد.

- جمهوری دمکراتیک خلق که حاصل قیام مسلحانه توده ها و تبلور اراده آنها محسوب می گردد، یک دمکراسی توده ای است که در آن اعمال حاکمیت مستقیم و بلاواسطه توده ها

جایگزین بوروکراسی ارتش، پلیس و کلیه نیروهای مسلح حرفه ای مجزا از مردم خواهد شد.

- از این رو در جمهوری دمکراتیک خلق:

- ۱- ارتش، پلیس و کلیه نیروها... ای مسلح حرفه ای مجزا از مردم منحل خواهد شد و تسلیح عمومی خلق و ارتش توده ای جایگزین آن خواهد گردید.
- ۲- تمام دستگاه بوروکراتیک برچیده خواهد شد و اعمال حاکمیت مستقیم توده ها از طریق شوراهای کار به مثابه نهاد های مقننه و مجریه هر دو عمل می کنند برقرار خواهد شد.
- ۳- سیستم انتخاباتی مقامات برخواهد افتاد و انتخاباتی بودن کلیه مقامات و مقامات جایگزین آن خواهد گردید. صاحب مناصب حقوقي برابر با متوسط دستمزد یک کارگر ماهی در یافت خواهند کرد.
- ۴- سیستم قضائی موجود منحل می گردد و دادگاههای خلق ایجاد خواهد شد.

در قانون اساسی جمهوری دمکراتیک خلق باید مفاد زیر تضمین شود:

- ۱- حق حاکمیت توده ها - قدرت دولتی باید در اختیار نمایندگان انتخابی توده ها باشد که در هر زمان به وسیله، انتخاب کنندگان قابل عزل باشند.
- ۲- انتخاباتی بودن قضا و کلیه صاحب مناصب کشور و لشکری.
- ۳- جایگزین شدن ارتش، پلیس و کلیه نیروهای مسلح حرفه ای توسط تسلیح عمومی خلق و ارتش توده ای.
- ۴- کنگره شوراهای نمایندگان کارگران، دهقانان و دیگر اقشار خلق به مثابه عالی ترین ارگان حکومتی.
- ۵- حق رای همگانی، برابر، مستقیم و مخفی برای تمام افراد زن و مرد که به سن ۱۸ سال رسیده باشند.
- ۶- مصونیت فرد و محل زندگی او.
- ۷- آزادی مسافرت و اقامت و سفر.
- ۸- آزادی مکاتبات.
- ۹- لغو هرگونه تفتیش، شکنجه و جاسوسی.
- ۱۰- آزادی فکر و عقیده، آزادی بیان، آزادی مطبوعات، حق تشکیل اتحادیه، سندیکا، شورا، احزاب و سازمانهای سیاسی، حق اجتماع، میتینگ، تظاهرات و اعتصاب.
- ۱۱- جدائی کامل دستگاه مذهب از دولت و مدارسی از مذهب. مدارسی باید مطلقاً غیر مذهبی باشند.
- ۱۲- لغو کلیه محدودیتها و تضيقاتی



### طرح برنامه . . .

که علیه اقلیت های مذهبی اعمال می شود.

۱۲- برابری حقوق کلیه اتباع کشور مستقل از عقیده، نژاد، جنسیت قومیت و ملیت.

۱۴- لغو هرگونه تبعیض برپایه جنسیت و برخورداری زنان از حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان.

۱۵- تضمین حق تعیین سرنوشت تا سرحد جدائی و تشکیل دولت نهایی مستقل برای کلیه ملل ساکن ایران. . . منافع طبقه کارگر ایران و زحمتکشان ملل تحت ستم ایران در این است که مشترکاً یک دولت مقتدر تشکیل دهند. اما این اتحادیه اجباری بلکه داوطلبانه و آزادانه خواهد بود.

۱۶- خودمختاری وسیع منطقه ای برای کلیه مللی که آزادانه و داوطلبانه کشور را تشکیل میدهند. ۱۷- الفبا هرگونه امتیاز و اعمال ستم ملی، قومی، فرهنگی و نژادی. ۱۸- الفبا زبان رسمی اجباری و حق اهالی به آموزش زبان مادری در مدارس نهادهای دولتی و استفاده از آن در مجامع عمومی.

### ما همچنین خواهان اقدامات عمومی زیر می باشیم:

۱- آموزش رایگان و اجباری تمام پایان دوره متوسطه، بهره مندی تمام دانش آموزان به هزینه دولت از غذا، پوشاک، وسایل تحصیل و ایاب و ذهاب.

۲- دگرگونی بنیادی و انقلابی در نظام آموزشی موجود و اقدام فوری در جهت یک پیگار انقلابی به منظور ریشه کن کردن بیسوادی.

۳- برقراری نزدیکترین پیوند بین مدرسه و کار اجتماعی مولد، تلفیق آموزش نظری و عملی.

۴- بهداشت و درمان رایگان، گسترش درمانگاهها و بیمارستانها، گسترش شیرخوارگاهها، مهدکودکها و موسسات آموزشی بهداشتی و پزشکی.

۵- تأمین مسکن و تمهید اجاره ها. - به منظور کاستن از بار هزینه های زحمتکشان ضروریست که به عنوان یک اقدام فوری منازل، آپارتمانها و کلیه ساختمانهای متعلق به سرمایه داران و نخبه ها و نیروهای ضد انقلاب و نخبه ها و ساختمانهای زائد دولتی به عنوان

مسکن در اختیار زحمتکشان قرار گیرد.

- مادام که مشکل مسکن بطور بنیادی حل نشده است و زحمتکشان صاحب مسکن نشده اند، اجاره ها باید به حد متناسب با سطح دستمزد زحمتکشان تعیین و به مرحله اجرا درآید.

۴- ایجاد کار برای بیکاران، تضمین شغلی، بیمه شدن در مقابل بیکاری و پرداخت حقوقی معادل مخارج یک خانواده زحمتکش به بیکاران از سوی دولت.

### به منظور مبارزه عملی در جهت براندازی ستم امپریالیسم، قطع وابستگی، دگرگونی اقتصاد کشور، توسعه اقتصادی و رفاه عمومی زحمتکشان، ما خواهان انجام اقدامات زیر هستیم:

۱- ملی کردن کلیه صنایع و موسسات متعلق به بورژوازی بزرگ، انحصارات امپریالیستی، موسسات و نهادهای مذهبی.

۲- ملی کردن بانکها و مراکز آنها در یک بانک واحد.

۳- ملی کردن شرکتهای بیمه و مراکز آنها در یک موسسه واحد.

۴- ملی کردن موسسات ارتباطی و حمل و نقل بزرگ.

۵- ملی کردن تجارت خارجی و توزیع برنامهریزی شده کالاها از طریق تعلق آنها و نیپها.

۶- ایجاد دوگسترش صنایع سنگین.

۷- الفبا اسرار بزرگانی به منظور اعمال یک کنترل واقعی بر تولید و توزیع.

۸- کنترل شوراهای کاری بزرگ تولید و توزیع در کلیه صنایع وسیع کارخانه ها و موسسات.

۹- الفبا کلیه قراردادهای صادرات و با امپریالیستی و افشا فساد آنها برای آگاهی عموم خلق.

۱۰- لغو تمام مالیاتهای غیر مستقیم و برقراری مالیاتهای تمام عیار بر ثروت، درآمد و ارث.

### در زمینه سیاست خارجی ما خواهان اجرای موارد زیر هستیم:

۱- اتحاد با خلقها و جنبش های رهاشی- بخش ملل تحت ستم، کشورها، ملیت ها و سوسیالیستی و جنبش انقلابی طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری، به مناسبت سه جز لاینفک برای یک جریان واحد انقلابی - فدا امپریالیستی.

۲- برآفتادن رسم دیپلماتی سری و آگاهی عموم مردم از تمام مباحثات

مذاکرات، عقد قراردادها و بیما آنها با دول دیگر.

۳- به منظور مصون داشتن طبقه کارگران و سایر طبقه های اجتماعی و بیجان و در مبارزه برای رهاشی.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مطالبات زیر را مطرح می نماید:

۱- ۴۰ ساعت کار، دوازده تعطیل سالانه در هفته، یک ماه مرخصی سالانه با پرداخت حقوق کامل.

۲- تقلیل کار روزانه کارگران معادن و دیگر صنایع که با شرایط دشوار و مخاطر آلودگی مواجهند، به ۶ ساعت کار در روز و ۴۰ ساعت کار در هفته.

۳- ممنوعیت کامل اضافه کاری.

۴- ممنوعیت سیستم پرداخت دستمزد به صورت جنسی.

۵- ممنوعیت شب کاری در تمام رشته های اقتصادی مگر در مواردی که به دلایل فنی یا رفاهی مطلقاً ضروریست و مورد تأیید تشکل های کارگری قرار گرفته باشد.

۶- ممنوعیت استخدام کودکان در صنایع تحصیل زیر ۱۸ سال.

۷- ممنوعیت کار زنان در رشته هایی که برای سلامتی آنها زیان آوراست.

۸- برخورداری زنان از حقوق و مزایای کامل برابر با مردان در ازای کار مساوی.

۹- مرخصی زنان باردار دو ماه قبل و بعد از زایمان بدون کسر حقوق، با برخورداری از امکانات پزشکی، درمانی و دوا زوئی رایگان.

۱۰- برخورداری زنان از تسهیلاتی چون شیرخوارگاه، مهدکودک، حق نگهداری و رسیدگی به کودکان در محل کار.

۱۱- ممنوعیت کسر دستمزد به بهانه جرمه، خسارت و غیره.

۱۲- افزایش دستمزد کارگران متناسب با سطح هزینه ها.

۱۳- بیمه کامل اجتماعی کارگران بیمه بیکاری، سوانح، نقض عضو، جراحت، کهولت، امراض ناشی از حرفه، از کار افتادگی و . . . .

۱۴- برقراری کنترل کامل و سازمان یافته بهداشتی بر کلیه بنگاهها، ایمنی محیط کار، خدمات درمانی و بهداشتی رایگان و پرداخت کامل حقوق دوران بیماری.

۱۵- ایجاد کار برای کارگران بیکار و پرداخت حقوقی به معادل مخارج یک خانواده زحمتکش به کارگران بیکار.

۱۶- تضمین حق تشکیل سندیکاها و

### طرح برنامه ...

تعاقدیه‌های کارگری و حق اعتماد به  
۱۷- تساوی حقوق کارگران ایران  
کشاوری و امور خدماتی با کارگران  
حرفه‌ای .

به منظور پایان بخشیدن به کلیه  
بقایای سواژ، بیط مبارزه  
طبقاتی در روستاها و افزایش  
سطح رفاه زحمتکشان روستاها  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
خواهان اجرای برنامه آرضی  
زیر می باشد:

- ۱- ملی شدن کلیه اراضی، مراعات، جنگلها و همه منابع طبیعی و زیرزمینی .
- ۲- ضبط فوری کلیه اراضی، اسلاک و ابزار و وسائل تولید ملاکین و زمینداران بزرگ، موقوفات و بنیادهای متعدد مذهبی و انتقال فوری آنها به دهقانان متشکل شده در شوراهای اتحادیه‌های دهقانی .
- ۳- پشتیبانی از جنبش دهقانان

- ۱- برای معادله ارضی مادام که جنبه انقلابی و دمکراتیک داشته باشد .
- ۲- اراضی مکانیزه و بطور کلی زمینهای که به شیوه عالی کشت می شوند، بدون آنکه تقسیم گردند، باید تحت کنترل شوراهای کارگران کشاوری قرار گیرند .
- ۳- متشکل کردن دهقانان خرده‌پا در تعاونیها و تشویق دهقانان به کشت جمعی و ایجاد واحدهای بزرگ کشاوری به منظور صرفه جویی در کار و هزینه معمولات .
- ۴- لغو کلیه بدهی های دهقانان به دولت، بانکها و کلیه موسسات مالی سرمایه داران، ملاکین و ربا خواران .
- ۵- پرداخت وام بدون بهره به دهقانان و تامین هرگونه کمک تکنولوژیک از قبیل ماشین آلات، کود، بذر و غیره .
- ۶- توسعه شبکه‌های آبرسانی و برق رسانی در جهت رفاه زحمتکشان روستا .

- ۷- برخورداری کارگران روستا از شرایط و مزایای کارگران شهری .
- ۸- علاوه بر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران وظیفه خود میداند که برای متشکل طبقاتی متشکل پرولتاریای روستا تلاش کند. تضاد آشتی ناپذیری را که میان او و بورژوازی دهقانی وجود دارد و نیز نیاز به یک انقلاب سوسیالیستی را

توضیح دهد .

۱- سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در راه مبارزه به خاطر مطالبات فوق الذکر از هر جنبش انقلابی و اپوزیسیون که مخالف سیستم اقتصادی و سیاسی موجود ایران باشد، پشتیبانی می کند . اما در همان حال کلیه اقدامات رفیستی را که متضمن تثبیت یا گسترش مداخلات پلیس است - بوروکراتیک در زندگی توده‌های مردم است قاطعانه محکوم کرده و مردودی شمارد .

۲- سازمان چریکهای فدائی خلق ایران معتقد است که تحقق مطالبات فوق الذکر تنها از طریق سرتوئی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر میسر خواهد بود .



هزاران رفیق فدائی در میان دریای بیکران توده‌ها با تمام وجود با نیروی ایمان و شور و شوق انقلابی به مبارزه ادامه می‌دهند و چون حمید رهبر کبیر سازمان کشاوری و پسین دم‌حیات درسنگر باقی می‌مانند و یک لحظه در ادامه راه خود تردید نمی‌کنند و با مشاهده هر ناامیختی نه تنها جان نمی‌خورند بلکه پرتوان تر تر حرکت و فعالیت خود نیز می‌فزایند .

توضیح و تصحیح

در متن سرمقاله رنگای گهل شماره ۱۸، مقاله "مرحله کنونی جنگ و ... " صفحه ۳ ستون دوم خط ۳۱، به جای کلمه "حتی" اشتباهاً "حتماً" چاپ شده است و بدین وسیله تصحیح می‌گردد .

ضربات سال ۵۴ - ۵۵ و انشعابات پس از آن نشانگر یک واقعیت انکارناپذیر می‌باشد و آن اینکه متناسب با تغییر و تحولات درونی جامعه و صف بندی نیروهای اجتماعی سازمان نیز مسیر پیوسته بالنده خویش را طی نموده و در هر مرحله و هر تندبج مغفوفش فشرده تر و انسجام قوی تر گشته است . سازمان با تعقیب همه و هرگونه گرایش خرده بورژوا منشانه پیگیر و سرگشت بر مبنای الزامات کنونی جنبش با تعیین استراتژی و تاکتیک مشخص و روشن در راه ایجاد یک سازمان پرولتاریا، حزب طبقه کارگر کاملاً مبرمیدارد . امروز واقعیتهای درونی جنبش محسوس خط مشی، برنامه و سیاستهای انقلابی سازمان را به اثبات رسانیده است، هیچ نیروی رقیبی را با رای مقابله با سازمان ندارد . گذشته با پذیرا زمان در امر پیشبرد وظائف انقلابی و کمونیستی اش نیست . اما هنوز راه درازی در پیش است . راهی که چه بسا توأم با شکستها و پیروزیهای طوفانی است . مهم نیست، مهم این است که هنوز جنبشها و ارزشهای انقلابی در درون سازمان زنده است

## حمید اشرف . .

از صفحه ۲۳

دست یافتن به اهداف انقلابی با درک و ایمان محکم به حقانیت تا ریحی خودتدارک سنگر هستیای پیروزی را دید . کسانی که با افت و خیز جنبش متزلزل میگردند و یک چرخش کامل در مسیر حرکتشان پدید می‌آید، کسانی که با برآمدن جنبش نمایان میگردند و با افت و شکست جنبش دچار رخوت و کسالت گشته و بخواب میروند و با به دلیل کج اندیشی و عدم درک محدودیتهای عینی و مادی و امکانات عملی سازمان از نفس افتاده و سنگسرها خالی می‌کنند، نه تنها یک فدائیسوی رزمنده و کمونیست نمیشوند، بلکه صرفاً "انقلابی‌نماهای ترسوئی هستند که با درآرا من دریا ملاحی را آموخته اند و با بدنسال آسمان خرده بورژوازی خود برای یافتن جایگاهشان سرگردانند .

# پویان

از صفحه ۲۶

رژیم پهلوی نینداخته بود، بلکه پیش از همه و قبل از آن بساط کپک زده، معاف بی عملی را درهم ریخته، آب درخواه موریگان ریخته بود و آغا زگر حرکت جدید و جریان نویسی در عروق جنبش انقلابی گشته بود. جریان‌هایی که در نخستین گام‌های حرکت خود، اولین ضربات خود را بلافاصله بر پیگردیکتا توری پهلوی وارد آورده بود. برای جنبش انقلابی آن روز، امیر پرویز پویان نام آشنا شد. بود، چهره، دوست داشتنی و بی‌شاش و - رعین حال جورا و، برای کسانی که اندک آشنائی با مسائل عمومی جنبش در تمام زمین‌ها داشتند، آشنا تر و پر جنبه تر از تمامی چهره‌ها بود. هنوز زرد پای او - که آنروز بر عرصه، تمام می‌جا معده به عنوان یک رهبر سیاسی برجسته معرفی می‌گشت - در تمام زمین‌های فرهنگی و سیاسی آن روز بر جای بود. او در تمام زمین‌ها نه تنها صاحب نظر بلکه خود، دست اندر کار نیز بود. فلسفه، ادبیات، شعر، سیاست و... ستیزه‌جویی او که اینک در کیفیت و ابعاد نویسی مطرح گشته بود، برای تمامی روشنفکران انقلابی آن روز، چیز جدیدی نبود. پویان قبل از آنکه چنین معرفی شود، خود را، بهارها به عنوان یک متفکر دقیق و خلاق و موثکاف در تمام زمین‌ها، شناسانده بود و با اشتیاق زائید - الوافی علیه رقم جوانی خود تا ثمرات شگرفی را در فرهنگ سیاسی آن روز باقی گذاشته بود.

پویان در برخورد با روشنفکران شکسته‌ای که شکست خود را به عنوان شکست جنبش ارزیابی کرده و بر چمدان نهیلیسم عنان گسیخته در جا معده، ادبی ایران گشته بودند، از هیچ تلاشی فروگذار نکرده و پوچسی حاکم بر تفکر آنها و به ویژه در زمینه ادبیات را، که در آن روزها بیش از همه در میان مشتاقان جوان جا معده رواج داشت و اصولاً در بجه‌ای برای ورود به دنیای سیاست در زیر چتر دیکتا توری عنان گسیخته بود، به انتقاد کشیده و مطرود ساخته بود و از این رهگذر بود که سنت جدیدی را - حتی در جا معده، ادبی آن روز - از خود برجای نهاد. بود که قبل از او کسی به این دقت و صراحت به آن نپرداخته بود. او چهره، جیون و در مانده، خرده بوروازی را در نقد

ایده‌آل‌های عقب مانده و ارتجاعی و وشا ربا زگشت به عمق قرون از دست رفته و ناگجا آبادهای خیالی، آشکار ساخته و وحشت و هراس او را از انقلاب آینده و در عین حال خشم فروخورده، و را از سلطه، عنان گسیخته دیکتا توری وابسته به امپریالیسم و - بود. امپریالیسم که رهنمون اصلی آن به سوی نه‌آینده بلکه گذشته پوسیده بود، به عینه نشان داده بود. پویان، پویایی و خلاقیت درک انقلابی از مسائل و ارائه آنها در ادبیات سیاسی آن روز را بسیار بیشتر از آن که به عنوان یک رهبر سیاسی معرفی گردد، در عرصه‌های مختلف جا معده پذیرفتن نموده بود. پویان قبل از آن که چیزی را بیان کند، زندگی کرده بود و آنفمسال پر خا شکرانه، خرده بوروازی را که با ظاهری عصیان‌آمیز اما محتوای سیاسی ارتجاعی نمودار می‌گشت، به زبانه‌دانی تاریخ سپرده بود و غول‌های کاغذی چنین دیدگاه‌هایی را که سراز "میقات" و غیره در آورده بودند، و مدت‌ها معبود جوانان این آب و خاک و مشتاقان رها نشی از وضعیت آن روزگار بودند، به عنوان دن کیشوت‌های حتی بجا قد قدرت تخیل و اراده افشا نموده و مطرود ساخته بود.

چنین بود که پویان نه بی‌کبار به که در تمام زندگی خلاق خود، با کیفیت جدید به عنوان متفکری خلاق و رهبری اندیشمند، به جا معده ما معرفی گشت، بی جهت نبوده و نیست که نام پویان در آن سالها در صدر لیست رهبران سازمان ما حک گردیده و کتاب کم حجم او با پر محتوای او به عنوان نقطه آغاز حرکت سازمان و به عنوان اولین شناسنامه سازمان ما، جا دیکته زائید الوافی در میان تمامی مشتاقان ارتباط با سازمان پدید آورده شود.

پس پویان قبل از آن که بنویسد، زیسته بود و وقتی که نوشت، در حقیقت چکیده، آنچه را که زیسته بود، تشریح کرد.

قدرت پویان در آن بود که وقتی که می‌خواست حرکت کند، تمام زمین‌های عینی آن را دقیقاً ارزیابی کرده، و با سلاح آگاهی به استقبال سخت‌ترین مشکلات می‌شتافت و با چنین سلاحی سراز از عهده، نبرد می‌آمد. او در تمام زمین‌ها از نقد وضعیت موجود آغاز می‌کرد، عوامل بساز - دازنده و مخرب آن را بازمی‌شناخت بیماری را تشخیص می‌داد، آن را جراحی می‌کرد و می‌تکاند و ریشه، بیداری را بازمی‌یافت، و

سپس راه حل خود را ارائه می‌نمود. او در جمع بندی خود نیز برای آن که خط و منی جدید و ضرورت آن را تشریح نماید، علاوه بر نقد تفکرات پر خا شکرانه، خرده بوروازی که در غله یک جریان پویا، عرصه، عملی به خود پیدا کرده بود، به نقد تمام آنچه که به نام مارکسیسم، اندیشه پیشرو تاریخ معاصر و ایدئولوژی طبقه کارگر، میان روشنفکران ما رایج گشته و عملکرد عینی پیدا کرده بود، پرداخت. مشکل آن روز جنبش انفعال و بی تحرکی، پراکندگی سردرگمی و بی ارتباطی با توده‌ها، و اساساً بی برنامگی روشنفکران مارکسیست - لنینیست در تمام زمین‌ها بود. اگر چه همه، متعاقباً روشنفکری هدف خود را ایجاد ارتباط با توده و حرکت به سوی تشکیل حزب طبقه، کارگر و غیره معین کرده بودند ولی عملاً این مسیر و هدف فقط چیزی در حد حرف بود. این امر که چگونه باید بقا، سازمان‌دهی، مارکسیست - لنینیست را تضمین کرد؟ چه روشی را برای این کار باید اتخاذ نمود؟ راز بقا، در کجاست؟ و چگونه میتوان به درون توده‌ها و در اس آنها طبقه، کارگر راه یافت و به سازماندهی آن دست زد؟ پویان این مسائل اساسی را با روشن و مشخصی داد. او از نقد وضعیت و سردرگمی محافظه کاران مارکسیست - لنینیست شروع کرد.

اگر برای پویان نقد وضعیت عمومی آن روز طبقه، کارگر، کلیدی برای چگونگی ایجاد ارتباط با طبقه محسوب می‌گردد، نقد وضعیت عمومی جنبش و ایده‌های حاکم بر معاف روشنفکری آن روز که همگی آنها هدف خود را، ایجاد حزب طبقه کارگر قرار داده بودند، اساس آن چیزی است که گنا بیش هرگونه حرکتی منوط به انجام قطعی آن است. چنین نقدی است که مرز بین خط و منی انقلابی و پورتونیستی را روشن ساخته و بر بستر چنین تریخی امکان ایجاد ارتباط و سازماندهی را میسر می‌سازد.

پویان با درک اهمیت این موضوع و نیز راهگشائی آن است که به اهمیت درک از بقا، نیروهای مارکسیست - لنینیست و چگونگی آن می‌پردازد. برای پویان این مسئله اهمیت دارد که بقا، برای چیست؟ و چگونه می‌توان و چرا با بقا، قی مانند؟ پویان نخست هدف بقا، را روشن ساخته و از این نقطه نظر به نقاد ایده‌های موجود در برخورد به چنین هدفی پرداخته و عملت‌آسائی

# پویان

فدائی را که می توانند به چنین هدفی دست یابند، آشکار می سازد. او می گوید: "در راه تشکیل حزب طبقه کارگر، درستی هر خط و مشی با کیفیت شیوه ها فکری که برای بقا، هماهنگی و سازمانهای مارکسیست است، به نحوی رشد یافته است. اما می کند، منجمد می شود." (تاکید از ما است)

چگونگی این بقا همچون چگونگی بودن در مملکت می دیگر، برای پویان اهمیت اساسی دارد. این بقا با بقا در جهت رشد و ارتقاء است با فیر از آن و در جهت انفعال و پراکندگی. برای پویان "بقا" گروهها و سازمانها از این نظر اهمیت دارد که آنها اجزاء یک کل بالقوه اند، اما اگر این بقا فاقد سلطت رشد یافته باشد، از پدید آمدن یک کل منجمد رشد یافته، عاجز است."

## (تاکید از ما است)

پویان برای ایجاد یک کل منجمد رشد یافته "نفس" از نظر بقا، منطقی است که اگر چه هدف خود را ایجاد چنین "کل منجمد" قرار داده است، ولی شیوه و عملگردها آن نه تنها به چنین کلی نمی انجامد، بلکه خود نتیجه تداوم حرکت رشد یافته است بلکه در عمل هیچ راه دیگری جز فنا و نه بقا - نماند، می پردازد. این دیدگاه که در کنار دیدگاه حزب توده (که خود را پسا رسوایی تمام هنوز هم حزب طبقه کارگران نامید و به روشنفکران انقلابی رهنمود می داد که: "چراغ حزب را در خانه هایشان روشن نگاه دارند") بسیار جان سختی تمام به حیات خود در وجود معافل پراکنده و بی برنام، آن روز ادا می داد. اگر چه حزب توده را به عنوان حزب طبقه کارگر قبول نداشت و هدف خود را ایجاد حزب طبقه کارگر اعلام می کرد، به نتایج حزب توده در عرصه مبارزه می رسید. مانند بدون درک چگونه ماندن، "بودن" همچون "نبودن". که بی تحرکی و بی عملی و مرگ قطعی نتیجه طبیعی آن بود.

این دیدگاه که خود را با شعار "تعرض نکنیم تا باقی بمانیم" در عمل بیان می داشت، برای رسیدن به هدف تشکیل یک کل

منجمد یعنی حزب طبقه کارگر، ایجاد معافل مطالعاتی مارکسیست - لنینیست با حداقل تحسیرک و ارتباط را به عنوان نقطه شروع مطرح می ساخت، که در روند آتی خود و در لحظه معین، که "لحظه مناسب" نیز هست (این معافل خود به خود به هم نزدیک شده، به شکل واحدی تبدیل گردیده، و بدین وسیله با پیوند خود، حزب طبقه کارگر را تشکیل می دهند. این شیوه برخورد به پیرویه تشکیل حزب، عملاً خود را در پی پیرویه مارکسیست - لنینیست آشکار می ساخت، و آن را امری که خود بخودی و محصول ضرورتها می دانست. اگر خلاصه کنیم: از نقطه نظر این دیدگاه مضمون اصلی فعالیت روشنفکران انقلابی می باشد چنین می بود: "مطالعه به اضافه حداقل سازمان، بدون هیچ تلاشی انقلابی برای رشد آن به اضافه "لحظه مناسب" مساوی حزب طبقه کارگر و حزب طبقه کارگر به اضافه "شرایط مطلوب" مساوی انقلاب

چنین دیدگاهی بخش وسیعی از روشنفکران انقلابی را در گردونه

تنها قنات لابنعل خود به چار می بیند گفانده بود و انرژی عظیمی را عملاً به هدیمی داد، به شدت ترین وجهی از سوی پویان به زیر سؤال انتقاد کشیده شد. نبوغ پویان در این بود که گروه گورچینش را که در غلطیدن به ورطه سرگردانی در تئوریک و متافیزیکی معافل بود، با شناخت آن راه چون غدهای سرطانی جراحی کرد و در مقابل آن آلترنا تیبونویسی را ارائه داد. پویان با برخورد دیالکتیکی خود، اتوپسیسم متافیزیکی تئوری معافل آن روز جنبش را، متلاشی ساخت و بر ویرانه های آن تحرک و پویایی سازماندهی نوینی را بنیان گذارد که نقطه اتکا، آن نه بر "مطالعه" و "شرایط مطلوب" و "لحظه مناسب"، بلکه بر آگاهی از وضعیت موجود و تلاش انقلابی در جهت تغییر آن بود. آگاهی ای که نه از معافل پراکنده مطالعاتی بلکه در پیرویه منجمد انقلابی خود را هر روز بیشتر از روز پیش ارتقا می داد، و مارکسیسم - لنینیسم را نه تئوری هوا منجمد خود به خودی، بلکه راهنمای عمل انقلابی می دانست و نه در غده کاری بلکه در ادا مکاری پرتلاشی موجودیت می یافت.

پویان مطرح ساخت که از بقا

مانند در بی عملی و عدم تعرض مسا، بلکه دقیقاً در تعرض ماست، در تحرک انقلابی و در تلاش انقلابی ما

برای گسترش هر چه بیشتر - سوز، فعالیت ماست، حرکت ما من املی بقا ماست، و "لحظه مناسب" و "شرایط مطلوب" و اکتیویست نخواهند یافت، مگر آنکه مناسبت انقلابی در هر لحظه از مبارزه خویش به ضرورت های تاریخی پاسخ مناسب دهند. پویان در نوشته خود به چنین ضرورت تاریخی نه تنها پاسخ مناسب بلکه قاطع و کوبنده داد، و در گورچینی عظیمی را در معافل روشنفکری آن روز به وجود آورد و با درک خلاق خود چنان انرژی عظیمی را آزاد کرد که نیروی مادی تبدیل ساخت که بدون تردید، کسی را یاری ندهند. اما بله با آن، بلکه تردید در اساسی آن نیز نبود. پاسخ پویان در شرایط آن روز یک پاسخ تاریخی بود، پاسخی که هنوز هم به قوت خود باقی است و پاسخی که امروز هم جنبش ما از آن بی نیاز نیست.

پویان در میان رهبران اولیه سازمان، با بدگفت تنها کسی است که به این صراحت و روشنی از اهداف سازمان سخن می گوید و بیش از همه وقیل از همه آنها، ضرورت وجودی سازمان ما را که به حقیقت بنیان گذار حرکت نوینی در جنبش کمونیستی ایران بوده و هست. تبیین می نماید، اگر این واقعیت را نیز در نظر بگیریم که نوشته پویان نخستین اثری بود که سازمان ما با آن معرفی شد، و تمامی معافل و گروهها و افراد را مجذوب خود ساخت و زمینه گسترده و شکفت انگیزی برای رشد آن مهیا نمود، اهمیت نقش او را هر چه بیشتر در می یابیم، و بی جهت نبود که در تمام دوران اولیه حیات سازمان، صرف واقعی سازمان همین اثر پویان بود.

پویان در پیش نفسی اپورتونیزم و بی عملی حاکم بر روشنفکران انقلابی که خود را در شکل های محفلی و بی برنامه موجودیت می بخشید و خط بطلان کشیدن بردستا و بزهای مهم آنها در حقیقت موجودیت روحیات محفلی را یک بار و برای همیشه، بی رحمانه به زیر سؤال کشیده و ضرورت شکل انقلابی بر اساس خط و مشی معین را که ضرورتاً هدفمند می بود و تداوم آن نتیجه تبیین درک چنین ضرورتی بود، به صریحترین وجهی آشکار ساخت. اما پویان تنها یک مفسر نبود، او شروع این حرکت و چگونگی آن را نیز آشکارا ساخت. پویان وقتی که تئور را به هدف نشانه رفت، با زنا پستا دوبر پستور هموار شده، راه آینه را نیز ترسیم

# پویان

نمود. اگر نقد وضعیت حاکم بر روشنفکران انقلابی و کلا بر جنبش کمونیستی برای اورهنگشای حرکت نوین بود، نقد وضعیت عمومی طبقه کارگر، کلیدی برای چگونگی ایجاد ارتباط با طبقه بود، پویان نگر مسیری که با بدجا یگز بین انفتتال عمومی گردد. پویان در ادامه نقد خود از بقاء منفعلم اعلام داشت که: " برای آن که با پدیداریم، رشد کنیم، سازمان سیاسی طبقه کارگر را به وجود آوریم، با بد ظلم ضعف خود را بشکنیم، با بد با توده های طبقه خویش ارتباط مستقیم و استوار به وجود آوریم. با بد چون ما می در میان دریای توده ها غوطه ور گردیم و راهی به درون سبازات آنها و سازماندهی آنها بگشاییم. چگونه و از چه طریق با بد روشنفکران انقلابی چنین کاری را به انجام رساند؟ پویان پاسخ داد: " روشنفکران انقلابی با بد از طریق تدرت انقلابی با توده طبقه خویش رابطه برقرار کنند. و تاکید کرد " اعمال قدرت انقلابی بر روشنفکران پرولتاری و پرولتاریا رابطه برقرار می کند، اعمال این قدرت در ادامه، خویش به رابطه سازمانی می انجامد. بدین وسیله اعمال " قدرت انقلابی را زا هکشی ارتباط " سازمانی بسا توده طبقه خویش ارزیابی کرد و نقش آن را به عنوان آهرمی در جهت درهم شکستن ذهنیتی آشکار ساخت که در زیر سیطره " دیکت توری حاکم، توده های طبقه به انحاء گوناگون " نیروی دشمن خود را " مطلق و ناتوانی خود را برای رهائی از سینه دشمن نیز مطلق می پندارد که این خود نتیجه قانونمند است. فرهنگ گوناگون و نیز اندیشه های خرد - بورژوازی و منخط در طرف طبقه کارگر است و " برای این که پرولتاریا را از فرهنگ مسلط جدا کنیم، سوم خرد بورژوازی را از اندیشه و زندگی او بزدا کنیم و با بیان بخشیدن به از خود بیگانگی او نسبت به پیش خاس طبقاتی او و رابرای مبارزه رهائی بخش به سلاح ایدئولوژیک مجهز سازیم ....

لازم است که تصور او را از ناتوانی طلقش در نا بودی دشمن درهم شکنیم

وقدرت انقلابی در خدمت این امر قرار می دهد. و بدین وسیله او هدف حرکت و ضرورت ایجاد طبقه کارگر را هر چه بیشتر روشن ساخت و بر آن تاکید نمود. ولی چگونگی رسیدن به آن و مسیر آن را، بگونه ای ترسیم کرد که عملاً او را از این هدف دور می ساخت.

پویان اگر چه در یک معادل مارکسیستی - لنینیستی آن روز را از نحوه ارتباط به نقد کشید و استدلال آنها را در زمینه عدم مکان ارتباطی نفسی نمود، خود نیز به نوعی عدم مکان چنین ارتباطی را نه تنها تقریباً بلکه قطعاً " اذعان نمود. ولی او از عدم مکان ارتباط نهراسید، بلکه برعکس به امکان ارتباط رسید، لیکن چنین ارتباطی را با توجه به درک خود از وضعیت طبقه کارگر و نیز مسئله ارتباط با طبقه را در حوزه " پر خورده های منفرد نقد کرد، ولی خود نیز برای ثبات عدم مکان ارتباط از حوزه " چنین پر خورده های خارج نشد. و برای همین نیز تحلیل خود را از عدم مکان راه یافتن به کارخانه ها به دلیل حاکمیت جوبلیسی بر آنها و غیره، آغاز کرد، نه از وضعیت عمومی جنبش کارگری در عسل و زمینه های عینی رگودیا اوج آن. پویان وقتی که تا به پلیسی را در همه جا همچون شیعی ترسیم می کند که عامل اصلی با زدا رنده است، و بی علاقگی ( کارگران) نسبت به مباحث سیاسی را " تفریز می نماید علت آن را نه در واقعیت های زندگی طبقه کارگر، بلکه صرفاً " در حوزه عوامل ذهنی " سرکوب " جستجو می کند و با آن که ارتباط حاکم بر زندگی آنها را فرایط زندگی در قرن هجدهم به افاه " طئه " پلیسی قرن بیستم " ارزیابی می کند، ولی وقتی که به تحلیل می پردازد " فرایط زندگی در قرن هجدهم " را کنار گذاشته، به تا شبرات " طئه " پلیسی قرن بیستم " می پردازد. او با وجود این که می گوید " اگر ما ستمی را که ( آنها ) می کشند با کلمات بیان می کنیم، آنها این ستم را با گوشت و پوست خود لمس می کنند و ... به تحلیل چگونگی این ستم در حوزه زندگی روزمره آنها و ابعاد عینی آن نمی پردازد و دلیل این امر را که آنها چرا به تنبیر این وضع مشقت بار اقدام نمی کنند، را در این می داند که " آنها نیروی دشمن خود را مطلق و ناتوانی خود را برای رهائی از طئه دشمن نیز مطلق می پندارند " با ضعف مطلق در برابر نیروی مطلق چگونه می توان در اندیشه

رهائی بود. بدینگونه است که پویان با چنین تحلیلی از وضعیت طبقه کارگر به تعیین وظایف پیشا هنگ در پر خورده های آن رسیده و این نتیجه را می گیرد که وظیفه شکستن این دو مطلق است. او با توجه به تحلیل خود از وضعیت، اولین امر را به عهده " نه سازماندهی مبارزه خود توده ها، بلکه عامل ثانوی یعنی سازماندهی اعمال قدرت انقلابی، توسط پیشا هنگ پرولتاری و می گذارد که نقش آن در هم شکستن این دو مطلق از طریق ضربه زدن به نیروی مطلق دشمن است که " با هر ضربه به دشمن، سلطه مطلق او در اذهان توده انقلابی تجزیه می شود و آنان را یک گام به سوی شکست در مبارزه پیش می راند " و اعمال این قدرت در روند خود نخست از حمایت منفعلم توده ها، شروع می شود و نهایتاً " به تدریج به حمایت و شرکت فعال آنها می انجامد. پرورده ای که به خودی خود صورت میگیرد.

اعمال قدرت انقلابی اگر چه عامل مهمی در شکل عنصر آگاه بود در ادامه، خود به ایجاد یک موجودیت سیاسی رزمنده انجام میدوید که اساسی پویان ( شکل معاف - روشنفکری رزمنده ) جامعه عملی پویان بود، ولی پویان با تعمیم آن به حوزه ارتباط با طبقه و در این رابطه تعیین وظایف پیشا هنگ چهار ذهنی گراشی گردید. و از مبنای اولیه تحلیل علمی خود که نقطه فوت او بود، فاصله گرفت.

پویان تحلیل عینی خود از بن بست جنبش کمونیستی را رهساز نموده و به پر خورده های ذهنی و تحلیل های روانشناختی و نه جامعه - شناختی پرداخت. او عملاً " چهار همان خطای گردید که مسعودی از تحلیل خلاق خود از تحولات سیاسی بعد از فرم وضعیت طبقات اجتماعی بدان دچار گشته و استراتژی خود را نه بر بنیان تحلیل دقیق و درست خود، بلکه بر ذهنیات از پیش ساخته از استراتژی جنگ توده ای طولانی بنا نهاد. پویان نیز عملاً " با بقاء رزمنده " خود که هدف آن " رشد - پابندگی " و " ایجاد یک کل منجم از طریق درهم شکستن طلم ضعف خویش " یعنی " جدائی از توده طبقه خویش " است، فاصله می گیرد و همه وظایف پیشا هنگ را نه مستقیماً حرکت در جهت " شکستن طلم ضعف خویش " بلکه به شیوه غیر مستقیم آن و از طریق یک قدرت ثانوی و نه از طریق رسوخ در درون طبقه، بلکه در کنار آن و اگر چه با هدف جذب طبقه به

# پویان

ماتل سیاسی ولی عملاً بدون توجه به وضعیت هستی و سیاسی خود طبقه و در نتیجه جدا از آن، در حوزۀ تا شهرات متقابل عوامل خود بخودی، خلاصه می کند. و بدینگونه است که پویان در پاسخ به ضرورت مبرم روز به درستی و با چارح تمام به نفسی بی عملی و بی طای منفعل نیروهای ما رکنیت - لنینیت می رسد، ولی وقتی که بنگاه رزمنده خود را در حوزۀ رابطه پیشا هنگ با نوده، ارائه می نماید، دچار تناقض آشکار می گردد. پویان راه را با قاطعیت تمام برای تفکک مناصراًگاه باز می نماید، ولی از انجام این کار در حوزۀ شکل نوده طبقه کارگر گنه اولی گامی اساسی برای انجام عملی است با زمی ماند، اما آنچه که درک آن مهم و اساسی است این است که پویان گام اول را بطور قطعی و بی هیچ تردیدی و به درستی بسته انجام می رساند.

پویان اگر چه در کتابش (پروپاگاندا آنچه که منتقدین ریز و درشت گذشته با زبان مادر صد نفسی کلیت آن هستند) در ارزیابی از جنبش کارگری دچار خطا می گردند و به جای تحلیل، عوامل عملی را رکوود جنبش کارگری صرفاً به تحلیل عوامل ذهنی آن اکتفا نموده اما این بر سه رویه بر استخوان بندی و خیر ما یه اصلی تفکرا و که بر پایه بنا می ضرورت بنیانی حرکت عمومی جنبش کارگری است ایران مبتنی بود، لطمه ای اساسی وارد نمی سازد، بنیای بنده بر این واقعیت است که پویان بر بنیانی شناخت این ضرورت گام اول حرکتی را تصور می کرد که هنوز در تجربه آبدیده نگشته بود، هنوز در عمل به آزمون گذاشته نشده بود. آنچه که با این جنبه خاص از تفکرا و مربوط می شود، چیزی است که سازمان در سالهای بعد و حتی در همان آغاز به تصحیح آن پرداخت. لیکن شیرازه اصلی تفکرا و و بخش عظیمی از دستاوردهای جمع بندی پویان هنوز هم در مورد بقایای تفکر مطلق و گرایشات عملاً فدرالیستی صدمی می کند. هنوز هم ضرورت تشکیل حزب طبقه کارگر در دستور روز جنبش قرار داده و پویان در حقیقت آغاز کار راهی است که بر چنین اصل اساسی یعنی تشکیل

حزب طبقه کارگر به عنوان مرحله ای جدیدی در سازماندهی مبارزه طبقه کارگر برای پیشا رد و تصام توان و انرژی خود را برای رسیدن به چنین هدنی به کار می گیرد. اگر چه بعد از پویان این تفکر مدتها چندان مشخص دنبال نشد، به ویژه جای خود را در کتاب مسعود، به استراحتی جنگ نوده ای طولانی داد و نمود به نتایج چنین جنگی موقوف گردید ولی هرگز از دستور کار سازمان گذار گذاشته نشد، اهمیت درک ما رکنیتی پویان از ضرورت هستی جنبش و چگونگی پاسخ دادن از بسوی روشنفکران ما رکنیت - لنینیت دوباره زمانی با برجستگی تمام نمودار گشت که سازمان ما یکبار دیگر بطور مشخص و نه کلی و آنهم بعد از قیام بهمن مسئله شمار پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر را در دستور کار خود قرار داد و سازماندهی در جهت آن را در شرایط نوین و متناسب با تحولات ناشی از فتح و شکوفایی مبارزه طبقه کارگر در جامعه، به مراحل خود تبدیل ساخت اهمیت درک ما اینها نه پویان را زمانی می توانیم دریا بنیم که بر اصول اساسی تفکرا و هر چه بیشتر پای فشاریم، اصولی که هنوز هم از اهمیت اساسی برخوردارند و پیشینه تاریخی جنبش ما را تشکیل می دهند. چرا که اگر برای پویان در آغاز دهه پنجاه مسئله پیشا هنگ پرولتری، مسئله حرکت انقلابی و آبدیده ساختن تئوری انقلابی در حرکت انقلابی و آموزش در مکتب مبارزه طبقه کارگر و درهم شکستن پیله های تنگ و کپک زده، معادل کتابخوانی بود، امروز برای ما دیگر مسئله در اینجا دیگری مطرح است. امروز دیگر مسئله حرکت در جهت تشکیل حزب طبقه کارگر، نقطه نه تنها راه آورده های مثبت و منفی این پرده طولانی است که پویان در آغاز آن آنچنان سوافراز و توفنده قرار داشت، بلکه تدوین اصول برنامهای مشخص چنین حزبی است. حزبی که چه در عرصه ایدئولوژی و سیاست و تشکیلات و چه در عرصه مبارزه عملی می باید حقیقتاً ستاد رزمنده پرولتاریا باشد. هم از این روست که با بدبا بزرگداشت خاطر همنند

پویان، این کمونیت پر شور و خلاق و رهبر داهی طبقه کارگر ایران و یکی از بنیانگذاران توانمندی سازمان ما بگوئیم همچون او در برخورد به معضلات کنونی جنبش دقیق و بی رحیم باشیم و در ادامه راه پر شور و خلاق مبارزه در راهها فکری طبقه کارگر ستورا و بیگم به پیش تازیم و به شمار می که پویان در آخرین

لحظات زندگی کوتاه ما مبارز با ایمان و قدرتی ظل نا پذیر فریاد زد و با خون خود بمسحه تاریخ مبارزات بی امان طبقه کارگر ایران نوشت "زنده باد کمونیزم و فدا دارمانده، از مشکلات مبارزه نه تنها نهراسیم، بلکه بی هیچ تردیدی به مبارزه ادامه می دهیم با آنها برخیزیم و سلاح آگاهی را به ما هدیه کند. تبدیل نمائیم، همانگونه که پویان کرد. هدف را بشناسیم و راه رسیدن به آن را از زندگی واقعیت های موجود و حرکت در جهت تغییر بنیادی در آن، استخراج نمائیم، همانطور که پویان با قدرت و قاطعیت تمام به انجام آن موفق گشت.

بگوئیم! افتخار تعلق بسازمانی را که پویان یکی از برجسته ترین رهبران آن بود، در عمل به اشیا رسانیم، همانگونه که پویان رساند. بگوئیم یک کمونیت آگاه بسد و ظافت طبر خود باقیم، همانگونه که پویان بود.

## نگاشته های جدید از منبه ۲

تلاش های رژیم در تمام عرصه ها با این بست قطعی روبه رو گردانند. آنچه که مهم است مسلماً نه تنها ادا ما، این حرکت عظیم، بلکه گسترش آن است. این امر خود در دراز مدت میراثیست مگر آن که در ادامه خود به اساسی ترین وجهی مورد توجه عموم نیروهای درگیر قرار گرفته و تلاش هماهنگی را از سوی آنها برانگیزد. این امر یعنی حرکت در جهت رسیدن به نقطه مشترک در این تلاش هماهنگ و ایجا در رابطه هماهنگ بین نیروها از طریق ایجا در فرمادهای واحد نیروهای مسلح کنونی بسگ ضرورت مبرم و حیاتی برای تسد اوامد آرزو کنونی جنبش انقلابی خلق گرد است. بدون چنین چشم اندازی و حرکت در جهت پاسخ روشن و مشخصی بدان، هرگونه حرکت کنونی حتی به سازمان یا لته ترین شکل آن نیز در دراز مدت نخواهد توانست موفقیت اساسی بدست آورد. تمرکز فرماندهی و واحد نظامی و هدایت با برنامته های پارتنریانی فعال و متحرکه در شرایط کنونی می تواند وزن بسیار کثونی جنگ را بطور قطع به نفع جنبش انقلابی سنگین و سنگین تر نموده، شرایط را برای مزدوران رژیم در منطقه هر چه دشوارتر نما بد و ضربات اساسی بر پیکر آنها وارد آورد. وظیفه مبرم امروز پاسخ به این ضرورت اساسی است.

# حمید اشرف

از صفحه ۲۶

آنچیزی بود که رژیم تصور میکرد، بذری که افشا شده بود و بسا خون گرم حمید آبیاری شد، پس از گذشت پنج سال از کوران سختست مبارزه به درخت تنومندی مبدل گشته بود که هیچ نیروئی را برای درهم شکستنش نبود.

سطح ضربات سال ۵۴ - ۵۵ و بهای مدهای پس از آن ملموس و سنگین و جدی‌اش را از شکست - تا بذری "فدائی خلق" را فاش نمود، اگر چه در این ضربات رفقای ارزنده‌ای چون حمید به شهادت رسیدند، رهبر کمبری که بر اکتیو جسم واقعی مرم پولادین هزاران انسان کمونیست، که فدای کارانه در راه آرمان والای کارگران و زحمتکشان از هیچ‌گونه جانفشانی و فیرمانی دریغ نمی‌ورزند، بود. اما با این ضربه هیچ‌گونه توقیفی در حرکت پیروزمند "فدائی" ایجاد نگردید و بسا زمانی که در میان خون آتش نطفه بسته بود به بهای خون صدها فدائی کارگران و زحمتکشان، با برجا و شکست نا پذیر در مسیر راه استخوانین خود گام نهاده بود. سازمان تنها سازمان اجتماعی قابل اعتماد و پرنفوذ در امتدادی بوده‌ها جای گرفته بود و دیگر

به دستخبرنا پذیر مبارزه انقلابی دیده‌ها مبدل گشته بود.

حمید در زندگی انقلابی‌اش سوره بارزیک انسان طراز نویسنده و مبارزان پایداری و مقاومت بود. از طی ۱۳ سال فعالیت انقلابی و مبارزاتی‌اش به یک سازمان کمونیست زنده تبدیل شده بود و اما لیبرترین مسائل و قابلیت‌های انقلابی‌ادر خود پرورش داده بود. او به خلق و همزمانش مشقی عمیق پیورزید و بسا آنی که در حین روبرویی بسا و - صیهای عینی و عملی دچار دید و تزلزل گشته و با در حرکت بر سببهای تشکیلاتی را لگدمال می‌نمودند، برخوردار قاطع و بی‌رحم می‌نمود و مدافع جدی نظم انقلابی تشکیلات بود. رفیق حمید اشرف هم‌وختگی‌نا پذیر بر موازین اعتقادی سازمان پای میفشرد و مرکز لحظه‌ای در امر انجام وظایف انقلابی‌اش دچار تردید و تزلزل نمی‌گشت و همواره بر آن بود که تنها ما رکنیم را در زندگی واقعی به مرحله اجرا در آورد، زیرا که اعتقاد داشت هیچ درستی و صحت

مفاهیم ما رکنیم بر اتمیک مینس و واقعی است.

رفیق حمید طی گذشت شش سال از زندگی پر تپش و خونین سازمان، بویژه پس از ضربات سال ۵۵ که سازمان در محاصره انواع فشارها قرار گرفته بود با اراده‌ای غلبه‌نا پذیر با رها و با رها سازمان را از نواهی نمود و با قدرت فکری و سازمانگری‌اش تشکیلات را با رسانی کرد و فشارها را مایل را در شرایط زندگی مخفی به جان خرید. او بسا درک واقعیت‌ها و محدودیت‌های مینی و مادی و شناخت اسلوب مناسب و عملی و ارائه آن، شرایط لازم و کافی را برای پیشبرد حرکت سازمان مهیا می‌نمود. او با ثبات



قدم، به استواری کوه در مقابل سختیها و دشواریها می‌ایستاد. حمید نقش سازمان و اهمیت بقا آن و ضرورت ادامه کاری یک تشکیلات کمونیستی را با تمام وجود درک نموده بود و به نقش و اهمیت کارها و قوای یک سازمان ادامه‌گزار اعتقاد عمیق داشت. او با هرگونه شنا نزدگی در عمل و عدم شناخت با رامتزهای موجود به مقابل بر می‌خاست. تیزبینی، ابتکار و خلاقیت، ابداع و تبعیض در برگزیدن تاکتیکهای مناسب به عمیق قدرت و توانایی خاصی در برخورد با پلیس بخشیده بود. معروف است که رفیق حمید به گونه‌ای قهرمانانه

و معجزه‌آسا، شانزده بار رتور پلیس را درهم شکسته و شش ماه از محاصره و صلح مزدوران جان سالم بدر برده بود.

دوران پر تلاطمی که طی چهار ده سال فعالیت، سازمان از سر گذرانده، سرشار از اشتباهات، فرازونشیب‌ها و شکست و پیروزی است. اما آنچه مهم است و حمید نیز به آن معتقد بود، همانا برخورد حلاق با مسائل، بهره‌گیری و جذب تجارب، حفظ نکات مثبت و طرد اشتباهات است. همان چیزی که حمید در زمینه آن توانائی و آمادگی فوق‌العاده - ای داشت. همچنانکه می‌گفت:

"هرگز بدون تجربه و عمل و ارتکاب اشتباهات نمیتوان تصمیم رشد کنیم. تاریخ تمام انقلابات نشان میدهد که چگونه جنبش‌ها افت و خیز بسیار داشته‌اند و آنچه در مرتکب اشتباهات کوچک و بزرگ شده‌اند و آسیب‌های بزرگی دیده‌اند ولی پس از بروز شکست‌ها بسا بهره‌گیری از تجارب و نقد آن مجدداً به سرپا برخاسته‌اند."

اگر حمید رهبر برجسته‌ای که در سخت‌ترین شرایط مبارزاتی بسا قاطعیت و شکیبایی کمونیستی

سازمان را رهبری میکرد، به رسید، لیکن خون حمید در رگهای صدها رفیق فدائی که در سنگر مستحکم سازمان برای دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان به مبارزه با امپریالیسم و سرمایه‌داری به پا خاستند، در جریان بود و فدائی خلق، مظهر ایمان سرشار به توده‌ها، فداکاری و از خود گذشتگی کمونیستی زنده و پویا در ادامه خط سرخ خون حمید، راه پر فراز خود را تا کنون سیر نموده‌است و وضعیت سازمان بویژه در سالهای اول انقلاب مرهسون و نتیجه فداکاریها و تجسم قهرمانیها و مقاومتهای رفقای نظیر حمید اشرف بود. پس از گذشت یک دوران طولانی با پیدایش همه‌مقاومت و قهرمانیها، از این همه سرخسختی و شکیبایی درس گرفت. این تجربیات برای سازمان که از نخستین سالهای آغاز فعالیت خود به یک جریان واقعی و اجتماعی تبدیل شده‌از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بخصوص که این تجربیات به بهای سنگین بدست آمده‌است.

ضربات سال ۵۵ و پیمانهای آن آموخت که نباید از شکست‌های مظمی هراسید. باید بیستی از تجارب آن دوره‌های مقاومت یا حرکت و در راه درستی بدست

### گزارشی از یک محاسمه درپاریس

از صفحه ۲۶

بنام خدا و زحمتکشان  
سرتعظیم در مقابل شهدای سازمانهای انقلابی فرود  
می آورم .

متاسفم به ما اجازه ندادند تا اعضای این سازمانها  
را دعوت کنیم و برای همین نتوانستیم دفاع خود را  
کامل بنویسیم . آقای رجوی در شهادت دبیروز فرمودند  
"من قتل از آنکه وارد برج کنترل شوم به من گفتند  
به دلالت امنیتی حق دیدن مسافران و هواپیماها -  
رئیایان زاندا رید" و همچنان که در فواریدا موجود  
است . به مسئله رایا ما در میان گذاشت :

- ۱- جان من در خطر است (مسعود رجوی)
- ۲- خودم شخما "از مسافرین استقبال می کنم ."
- ۳- پس از آنکه مسافرین پیدا شدند و اردیوارید هواپیماها  
خواهم شد .

اما غیر از این شد . وقتی مسافرین پیدا شدند .  
آقای صالحی بدون مشورت با شورای هواپیما رئیایان  
( منظور شورای پنج نفره خودشان نظر خود را اخیسرا  
کرد همان موقع اعتراض کردم . به بخاطر خودم ، بلکه  
به خاطر بیش از ۳۰ مسافری که بیشتر از آقای صالحی  
با ما همکاری کرده بودند و اکنون آقای رجوی مسئولیت  
خون آن عده را به عهده دارد .

ما به آنها قول داده بودیم که برای آنها بنا هندیگی  
سیاسی می گیریم . آنها در مقابل پاسداران از مسافری  
حمایت کرده بودند اما دیدیم که آنها را برگرداندند .  
آقای رجوی کاری در این مورد نکردند . در زندان به ما  
مراجعه کردند ، گفتند که نام سازمانهای دیگر - سر را  
نیا وریم . به خاطر حفظ اتحاد قبول کردیم ، به خاطر خون  
شهدای شان قبول کردم .

۹ ماهه ما بجز روزنامه "مجاهد" هیچ ارگانسی  
ندادند . خود خواستار ملاقات با وکیل بودم . بدون  
مترجم مجاهد . اما اینکار را قبول نکردند . من به ستا  
شا هدا رم . آقای حامد ، دهقان ، مرادی ، آنها شا هدا  
که به خاطر شریه گروهها و سازمانهای دیگر اندادند .  
اغیار مختلف را با نور کردند . به سئوالا ما پاسا .  
ندادند . متاسفم آقای رجوی میارالته دست قلمداد  
کرد . آخر باکی ، ما که با کسی تماس نداشتیم .  
پس ، نما بنده ، مجاهدین پیش ما اندکه ما این  
گفته های خود را تکذیب کنیم ، گفتیم اینها حقیقت

دارد . اینها دروغ نیست . دوباره نما بنده رجوی را  
فرستادند . به من گفت گستاخ هستید ، وقیح هستید ،  
بی شرم هستید . متاسفم من چه حرفی بزنم .  
این کارها همه علیه دیکتا توری بود . ما نمودیم  
این گونه برخوردها را از خمینی دیده بودیم . خمینی هم  
با وعده آمد . اما دیدیم که نمونه ای از دیکتا توری شد .  
من برای جلوگیری از دیکتا توری درآبنده ؛ پسین  
حرفها را میزنم . به ما گفتند ، دادگاه را غیر علنی  
خواهند کرد . تا ما به آقای رجوی نوشتیم که دادگاه را  
غیر علنی باشد ، خودکشی می کنم . گفتند شا هدین باید  
فقط از ما هدین باشد .  
با تشکر (وقت هم پایان رسید)

### بنام خلق قهرمان!

داستان محترم هیئت منصفه من مظفر - سرادی  
هوادا سازمان چریکهای فدائی خلق ایران هستیم ،  
که هم اکنون بیش از ۱۰ هزار نفر از افراد آن در  
بدترین شرایط در زندانها به سر می برند .  
متاسفم از اینکه نتوانستیم فریاد حق طلبان  
مردم ایران را به گوش جهان برسانیم . من از پاسا  
نخواهم برد زمانی که زن حامله ای می گفت که من با  
شما خواهم بود . بیش از ۳۰ نفر که میخواهند  
شوند . مسعود رجوی کاری برای آنها نکرد . مط  
نیست تا بدرا ایران اعدام شدند . من از یاد نخواهم  
برد زمانی که به ما در پیبری گفتیم که من هوادا  
چریکهای فدائی خلق ایران هستیم ، مرا می بوسید و  
گریه می کرد . می گفت من با شما خواهم آمد .  
من نتوانستیم فریاد رفقای فدائی را در حد توان  
به گوش مردم دنیا برسانیم و فریاد خا نواده ای را که  
پنج نفرشان هوادا سازمان بودند و سه نفرشان  
اعدام شدند و دو ما در خا نواده به عنوان هوادا  
زندانی شدند ، با فریاد سه نفر ۱۴ ساله که در بدترین  
شرایط در زیر شکنجه به شهادت رسیدند ، با آن آواره  
خوزستانی را که ۱۵ ساله بود و به جرم هواداری از  
سازمان اعدام شد و خواهرش را به حبس ابد محکوم  
کردند . به هر حال منظور من این بود که جنایت را به  
گوش مردم جهان برسانیم . من متاسفم از اینکه  
نتوانستیم رفقای هوادا رفدائی را که در خا رجا ز کشور  
شبان روز به علیه رژیم مبارزه می کنند ، دعوت کنیم تا  
در دادگاه شرکت کنند .  
من دفاعی از خود ندا رم . فقط خواستم که این مسائل  
را بگویم .

### گزارشیک له : . . .

حشیا نه ترین بو جا ردمان و  
رتوب و خوباره بازان و تبعدام و  
بالا نه وه به ته وای هییزو  
توانا وه نه به ویت ته م مه ته رییزه  
بر له حه ما سه وقار ما نه تیه له  
نا وسات . له هه رشیه یث بسو  
سه روتی وه حشیا نه ی که لیک که  
ژیی هیئا نی ما فی چاره نو و سی  
خوی وله تا زاری وینسا نیسه ت

دیفاع ده گاه کوتا بی نا کا . به لام  
سه رگوتی وه حشیا نه ، تبعدام و  
وکوشتا رتور و خه فه قان و . . . . .  
نه ته نیا ته م مه ته رییزه سا خه ته  
له رزه وه به لکونه روسی خه لکی کورد .  
یشدا یه ک زه ره سوستی دانا نی .  
وه ین هه رچی زوتر و قایم تر  
وه ک هه میسه ته م مه ته رییزه  
بیا رییزین وه به ها تنه تا ور یسزی  
پیشه رگه قاره ما نه کانی سازمانی  
چریکه فیدا نیه کانی خه لکی شیران ،



## پرتوان ترباد مبارزه لهرمانانه خلق کرد

۱ ز صفحه

برخی مناطق انجام داد که با مقاومت دلیرانه پیشمرگان روبه رو گردید و پس از ساعتها درگیری و تحمل تلفات سنگین و از دست دادن بسیاری از مهمات و ادوات جنگی در اکثر آنها ناچار به عقب نشینی گشت. رژیم پس از هر شکست مفتحانه به اذیت و آزار مردم بی دفاع پرداخته و با به آتش کشیدن خانه ها و زمینهای مزروعی و خمپاره باران روستاها دست به کشتار رهبر و جوان و کسودک می زد.

نفوذ پیشمرگان خلق کرد به شهرها نظیر مها باد، سقز، دیواندره، سردشت، سنندج و وارد ساختن ضربه به مزدوران مستقر در شهرها و انجام عملیات متعدد کمین و مین گذاری و به هلاکت رساندن صدها مزدور ارتش و

سپاه و بسیج و جاش که در بین انسان دهها تن از فرماندهان فدائیکو ارتش و سپاه و سازمانگران جاشهای مزدور و محلی نیز قرار داشتند، در یک ماه گذشته، نشانگر تعمیق و وسعت عظیم و تداوم قدرتمند جنبش انقلابی خلق کرد می باشد. جدول زیر نمودار واقعی این تحرک عظیم است.

اما راین جدول عمدتاً از اخبار رادیوهای حزب دمکرات کردستان و کومه له، نقل شده است.

طی پنج سال گذشته واقعیات عینی و اخبار منعکس شده جنبش انقلابی خلق کرد و دستاوردهای آن به تمامی توده های زحمتکش سراسر ایران و جهان هدم صحت و واهی بسودن تبلیغات رژیم را به اثبات رسانیده است و نقشه های مژورانه آن را نقش بر آب کرده است. بسیار رخنه آور است هنگامی که رژیم با تسخیر یک منطقه غیر "قلمرو قمع" آشسرار ضد انقلاب "را با بوق و کرنای زیاد سرمی دهد. لیکن در همان زمان مزدوران رژیم در زیر آتش مسلسلها و انفجار رنا رنگ پیشمرگان در خون می غلتند و به هلاکت می رسند. و با در کمین گاه پیشمرگان پس از تحمل ضربات، به اسارت در می آیند و در درون شهرها در میان لانه ها بشان امنیت و آسایش از آنها طلب میشود. نگرشی به نتایج جنگ کردستان در یک ماه گذشته و بیان عملیات پیشمرگان، گویای وضعیت کنونی رژیم در کردستان می باشد. واقعیتهای عینی که توده های سراسر ایران کم و بیش در جریان اخبار آن قرار دارند، مهربلان بر تمامی تبلیغات رژیم میکوبد. طی ماه گذشته علاوه بر تهاجمات گسترده بی دربی پیشمرگان، رژیم نزدیک سلسله یورش های پراکنده به

پس از گذشت سالها که خلق کرد تحت ستم قرار داد و از تسلط ستمگران، دولتهای فدخلقی رنج بی برد و صالیه است برای نابودی ستم ملی، رهاشی و کست با فتن به حق زمین سرنوشت خویش به مبارزه برخاسته است، با آنها م از منتهای پرافتخار مبارزه مسلحانه خود، پنج سال است قهرمانانه، همچنان با ر سنگین جنگی نا برابرا بردوش می کشد.

توده های زحمتکش خلق کرد حماسه های شگفت انگیزی را در راه آرمان انقلابی خود با قهرمانی و از خود گذشتگی زائدا لوصفی چه ز طریق شرکت مستقیم در نبردهای خونین و جدا ز طریق حمایتهای بی مهابا و بی دریغ خود از فرزندان جانباز خویش، پیشمرگان دلیر کردستان آفریده است که همه نشانگر عزم اراده، تزلزل نا پذیر خلق کرد و نوبد بخش پیروزی جنگ توده ای است. تحرک فعال پیشمرگان بسا در خورداری از چنین حمایتی است که در اعماق خاک سرزمین کردستان با عملیات بی دربی و جسورانه علیه مواضع نیروهای سرکوبگر رژیم و وارد آوردن ضربات کاری بر آنها، رژیم را بندهت زبون و ناتوان ساخته است. و در دل تک تک مزدوران تخم هراس افکنده است.

طی ماههای گذشته رژیم بدنبال یورشهای وحشیانه اش به مناطقی جنوبی، مرکزی و شمالی کردستان و انتقال برخی مناطقی آزاد، لیهات سراسری و وسیعی را به راه انداخت و همچون گذشته مدعی شد که تمامی مناطق کردستان را تحت کنترل در آورده و وجود پیشمرگان مسلح خلق کرد را انکار نمود. اما

### غنایم بدست آمده

۲۲۶	جنگ افزارا نقرآذی
۱۴	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۴۱	انواع تارنگ
۱۰	بسیج
۲۴۰	انواع فشنگ
۱۶	گلوله آر. پی. جی
۱۵	پیوستن مزدوران به پیشمرگان

### تلفات دشمن

۸۶۲	کشته و زخمی دشمن
۹۳	اسیر
۵۹	خودرو منهدم یا مسادره شده
۱	فلاحهای منهدم شده
۶۷	شهادت پیشمرگ
۳۶	اهالی بی دفاع

### عملیات پیشمرگ

۴۱	کمین و کنترل چاده
۳۳	مین گذاری
۲۲	مقابله در برابر یورش رژیم
۱۰	حمله به مراکز رژیم در شهرها
۱	خلع سلاح پایگاه
۲	مصا دره و انهدا مجاسیمات
۱۰۴	جمع

### گزارشی از يك محاسمه در پاریس

چند ماه پیش بود که خبرگزاری های دنیا خبر فرود اجباری بسک هواپیمای مسافربری رژیم جمهوری اسلامی را در یکی از فرودگاههای پاریس پخش نمودند که چند نفر مطلع بعد از پرواز هواپیما از فرودگاه شیراز آن را تحت کنترل خود در آورده، آنها پتانیه فرود اجباری در پاریس واداشتند. این افراد که در همان موقع هوادار مجاهدین خلق اعلام گشتند، بنا به اخبار منتشره در آن روزها، گویا خواهان دیدار با مسوودرجوی گشته بودند که رادیوهای خارجی در ادامه اخبار خود صحبت آقای رجوی با این سخن افراد را از برج نگهبانی فرودگاه نیز پخش نمودند که گویا طوسی آن مسوودرجوی بعنوان مسئول اول و فرمانده اول سازمان مجاهدین به آنها دستور آزادی مسافرین هواپیما و تحویل خود به پلیس فرانسه را داده بود و آنها نیز فرمان او را اجابت کرده بودند.

اما گذشت بیش از هشت ماه، حقایق بیشتری را در ارتباط با این حرکت و اخبار منتشره در اطراف آن، آشکار ساخته است که دفاتر این افراد در دادگاه پاریس خود به نگرانی از آنها است و مادر بردفا هیات دولتی از آنها (که یکی از آنها هوادار سازمان ما و قریب هموادار دیگر نیروها است) را عیناً درج می کنیم، تا بدین وسیله خلق مبارز گردد و دیگر خدمتگاران میهنان از طریق اظهارات خودگمانی که اقدام به کنترل هواپیما و فرود آوردن اجباری آن در پاریس کرده بودند، در جریان واقعی این حرکت قرار بگیرند.

لازم به تذکر است که طبق اخبار واطمه، سه نفر از این اسیران هوادار سازمان مجاهدین هستند و یک نفر دیگر از آنها هوادار سازمان ما و یک نفر نیز به هیچ سازمان خاصی تعلق ندارد.

## پویان طلایه دار بقا و رزمنده



در شماره قبل به مناسبت سوم فروردین سالروز شهادت رفیق امیر پرویز پویان گفتم که در چگونه بودن او تا ملی بیشتر می کنیم و اینک گاهی بر آنچه که پویان بود و هست.

کنگامیکه در بیجا رفتن آلود بعد از حمله به ساکمل فدائی بسا چندین عملیات جسورانه در تهران و قهدادی از شهرهای بزرگ ایران، ظلم آریا مهربی را نشانه رفت. کنگامیکه تصویر قهدادی از رفقای اولیما سازمان به دیوار شهرها سپارنده شد. و چهره آنها هر کیویک تلفظ در صرا سر ایران حک گرفتند "حکام امنیتی" در محاصره گویز بیونی به معرفی آنها پرداخت کنگامی که عکس و نام پویان در صفحه تلویزیون قاب گرفته شد، در میان این رفقا چنان نافسند پویان خودگویی دنیا ی دیگری بود. خام پویان تنها لریزه بر ارکان

## حمید اشرف

### تجسم اراده خلل ناپذیر فدائی خلق

مهربانی، رفاه پیشی، فاطمه حسینی، محمد حسین حقنواز، طاهره غرم، مسگر حسین ابرده، محمد مهدی فوقانی، غلامعلی خراطهور، علی اکبر روزبری. به شهادت رسیدند. دستگاہهای پلیسی - ارتجایی رژیم شاه با صرف مخارج کلان و بسراه انداختن بوق و کرنا ی تبلیغی بسیار به عیب کوشید تا چنان جلوه دهد که بردشمن سر سخت خودفا نسق آمده است و تلاش نمود این راهپایان زندگی پر جوش و غروش "فدائی خلق" قلمداد نماید. اما واقعیت این بود که میزان قدرت، وسعت و نفوذ اجتماعی سازمان دهها برابر

هشتم تیر ۱۳۵۵ پس از گذشت بیش سال از حیات خونبار سازمان، جنبش نوین کمونیستی ایران بسا که از ضربات سهمناک و کاری موآچکر دید. جز شهادت قهدادی از اعضا وکا در رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که توسط روزنامه های رسمی رژیم به گوش جهان نیان رسید، توده های زحمتکش میهنان را سخت متاثرو در غم و اندوه شدید فرو برد.

طویک درگیری چند ساعته رفیق کبیر حمید اشرف، یکی از بنیادگذاران و رهبران برجسته سازمان به همراه تنی چند از همزمانش، رفقا: یوسف قانع لخته بیجاری، غلامرضا لایقی